

سازمان های بین المللی

ياسر پولایی

کارشناس ارشد روابط بین الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

زمینه و هدف؛ سازمان بین المللی سازمانی است که تابعان آن دولت ها هستند و بر اساس معاهده بین دولت ها بوجود می آید. صرف وجود عهده نامه بین دولت ها سازمان بین المللی را تشکیل نمی دهد. نهادهایی وجود دارند که ممکن است دارای ساختاری منظم باشند و اجلاس های ادواری داشته باشند ولی در زمره سازمان های بین المللی قرار نگیرند؛ زیرا وقتی ما برای آنها شخصیت حقوقی بین المللی قایل نشویم، به معنای این است که حیات مستقلی برای آنها قایل نیستیم و وقتی حیات مستقلی نداشته باشند، نمی توانند در قلمرو سازمان های بین المللی قرار گیرند. صلاحیت سازمان های بین المللی، اختیاری است که به موجب تصویب اساسنامه برای اعضای سازمان داده می شود تا در چهارچوب آن به اهداف خود نایل آید.

روش پژوهش؛ مطالب گرد آوری شده بر اساس مطالعات کتابخانه ای، فیش برداری، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. استفاده از رسالات و مقالات پژوهشی و کتب حقوقی در این زمینه نیز بهره فراوانی گرفته شده است.

یافته های پژوهش؛ سازمان های بین المللی، به عنوان ارگانیزم های بین المللی برای حل مشکلات ناشی از روابط بین الملل مددکار دولت ها شدند. تا آن حد که در حال حاضر همچون نهادهایی حقوقی به تقریب در تمام عرصه های روابط بین الملل حضوری فعال یافته اند. امروزه سازمان های در تمام حوزه های بین المللی ریشه دوانده اند بین المللی با پیمودن مرزهای جغرافیایی تقریباً در چارچوب و هر مسأله ای که به نحوی از انحاء با منافع جامعه بین الملل مرتبط باشد عموماً سازمانهای بین الملل تنظیم می گردد.

واژه های کلیدی: سازمان های بین المللی، شخصیت حقوقی، ارکان سازمان های بین المللی

مقدمه

در دیدگاه برخی علمای حقوق، قرن بیستم را قرن رشد کمی شگفت انگیز سازمان های بین المللی دانسته اند که به این رشد کمی با گذار از نیمه قرن بیستم به لحاظ پیچیدگی ساختاری و نیز اشتغالت و فعالیت های گسترده سازمان ها و نیز تنوع و تکثر در قبول مسئولیت های بین الملل رشد کیفی را نیز باید مزید کرد. سازمانهای بین المللی، یکی دیگر از بازیگران عرصه نظام بین المللی می باشند. (ایوانز، ۱۳۹۱: ۵۷) در گذشته به شکلهای اتحادیه های بین المللی خصوصی و عمومی به ایفای نقش می پرداخته اند. اما با توجه به گسترش روزافزون ارتباطات و فعالیت های (تجاری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی)، به منظور تسهیل در انجام اینگونه امور، سازمانهای بین المللی با شخصیت حقوقی از میان دولت ها بوجود آمده اند. ویژگیهای سازمانهای بین المللی عبارتند از: تجمع دولت ها، ایجاد بر اساس معاهده، داشتن اهداف خاص، دارا بودن کار ویژه های مخصوص برای رسیدن به اهداف، دارا بودن فعالیت مستمر و مداوم. لذا سازمان-های بین المللی به لحاظ ماهیت اعضا به سازمان-های بین-الدولی و سازمان-های غیر دولتی تقسیم می-شوند که دسته اول از کشورها ترکیب یافته و دسته دوم، مرکب از اشخاص حقیقی یا حقوقی دول مختلف است. از نظر تعداد اعضا می-توان سازمان-های بین المللی را به سازمان-های جهانی و منطقه-ای تقسیم کرد که گروه اول، امکان عضویت تمام کشورهای جهان را فراهم می-آورد و در گروه دوم، عامل جغرافیایی، تعیین کننده امکان عضویت کشورهاست. اگر عضویت در این سازمان-ها محدود به دول مشخصی در یک منطقه باشد آن-ها را سازمان-های منطقه-ای بسته می-گویند و اگر میان کشورهای یک منطقه-، محدودیتی برای عضویت نباشد، آن را سازمان منطقه-ای باز می-گویند. بر اساس موضوع فعالیت، سازمان-ها را دو طبقه می-کنند: سازمان-های با صلاحیت عام که به تمام زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره می-پردازند و سازمان های با صلاحیت خاص که تنها در زمینه معینی فعالند. (آشوری، داریوش ۱۳۷۳: ۱۲۴)

ماده ۷۱ منشور سازمان ملل متحد زمینه-های همکاری سازمان-های غیر دولتی غیر انتفاعی را با سازمان ملل متحد فراهم کرده و این سازمان-ها را در سه دسته می-توان گنجانند:

الف: گروه یک: عمده فعالیت-های سازمان با فعالیت-های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد هماهنگ است. اینها ضمن اینکه حق شرکت در جلسات شورا و ارگان-های تابعه را دارا هستند می-توانند پیشنهادات خود را از طریق کمیته سازمان-های غیر دولتی اکوساک ارائه کنند.

ب- گروه دو: این سازمان-ها که صلاحیت محدودی دارند فقط در محدوده موضوعات مرتبط با شورای اقتصادی و اجتماعی، حق فعالیت داشته و علاوه بر حق شرکت در جلسات علنی شورای اقتصادی و اجتماعی می-توانند نظرات خود را کتبی یا شفاهی به شورا ارائه دهند.

ج- گروه راستر: سازمان-هایی هستند که در این گروه جای می-گیرند دارای مقام مشورتی نیستند اما در مواردی با صلاحدید شورا یا دبیر کل سازمان ملل متحد با نظر کمیته سازمان-های غیر دولتی از آنها کمک گرفته می-شود. (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۱۹)

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- سازمان های بین المللی

سازمان بین المللی، تجمعی از دولت هاست که منجر به تشکیل نهادی مستقل، دائمی، با ارکان خاص، دارای شخصیت حقوقی و برای نیل به هدف یا اهداف مشترکی ایجاد می گردد. سازمان بین المللی سازمانی است که تابعان آن دولت ها هستند و بر اساس معاهده بین دولت ها بوجود می آید. صرف وجود عهده نامه بین دولت ها سازمان بین المللی را تشکیل نمی دهد مثلا

عهدنامه نافتا در مورد تجارت بین کشورهای آمریکای شمالی به معنای وجود سازمانی از این کشورها نیست. سازمان های بین المللی شخصیت حقوقی دارند و می توانند با دولت ها و یا سازمان های دیگر طرف قرارداد قرار بگیرند. در برخی از سازمان های بین المللی عضویت برای تمام کشورها آزاد است (مانند سازمان ملل متحد یا اتحادیه اروپا) ولی بعضی از آنها فقط کشورهای منطقه ای خاص می توانند عضو آن شوند (مانند سازمان همکاری اسلامی). سازمان های بین المللی از یک دید شبیه به برخی دولت های فدرالی هستند که ما اکنون در جهان شاهد آنها هستیم، و از یک نگاه دیگر، با آنها متفاوت می باشند. از این دیدگاه که سازمان های بین المللی، مجموعه ای از نهادها هستند که با یکدیگر جمع می شوند و یک نهاد دیگری بوجود می آورند، شبیه فدرالیسمی است که ما بین دولت ها می شناسیم. مثلا در ایالات متحده آمریکا، سوییس و بلژیک، مجموعه ای مستقلی بوجود آورده اند که هر کدام از اینها خودشان به تنهایی از لحاظ حقوق بین الملل دولت محسوب نمی شوند بلکه مجموعه ای آنها دولت محسوب می شود. (بیگ زاده، پیشین: ۳۲)

۱-۲- فدرالیسم

سازمان های بین المللی در حقیقت بیانگر نوعی فدرالیسم جهانی هستند. بطور کلی پدیده ای فدرالیسم عبارتست از «روند پیوستن و اتحاد دولت ها حول هدف یا اهداف مشترک با حفظ خود مختاری هر یک از آنها» فدرالیسم می تواند هم داخلی باشد و هم بین المللی. فدرالیسم از ریشه لاتین فُئِدوسُ (foedus یا foederation) به معنای اتحاد یا قرارداد یا توافق و پیمان، یک مفهوم سیاسی است که در آن گروهی از واحدها (ایالات، استان ها، کشورها و...) به یکدیگر متعهد شده اند و به نمایندگی از آنها یک حکومت مرکزی وجود دارد. (محکی، ۱۳۹۰: ۷۰)

۱-۳- رابطه ی سازمان ملل و سازمان های فاقد شخصیت حقوقی بین الملل

نهادهایی وجود دارند که ممکن است دارای ساختاری منظم باشند و اجلاس های ادواری داشته باشند ولی در زمره ی سازمان های بین المللی قرار نگیرند. بعبارت دیگر این نهادها، تمام ویژگی های سازمان های بین المللی دارند ولی فاقد شخصیت حقوقی بین المللی می باشند. نمونه ی بسیار بارز این پدیده ها، «جنبش عدم تعهد» است که یک سازمان بین المللی محسوب نمی شود، اگر چه دولت ها عضو آن هستند، اجلاس های سالانه و منظم دارند، مسئول دارند، دبیرخانه و... دارند، ولی در مفهوم حقوق سازمان های بین المللی، یک سازمان بین المللی محسوب نمی شود؛ زیرا فاقد یک شخصیت حقوقی بین المللی است. همچنین سازمان دولت های فرانسوی زبان آفریقایی که به «فرانکوفونی» معروف است، یک سازمان بین المللی به مفهومی که در حقوق سازمان های بین المللی وجود دارد، محسوب نمی گردد؛ زیرا این سازمان با اینکه تعداد زیادی از دولت های آفریقایی فرانسوی زبان در آن عضویت دارند و همه ساله گرد هم می آیند و برای توسعه ی فرهنگ و زبان فرانسه تلاش می کنند، فاقد شخصیت حقوقی بین المللی است. جالب است که جلسات این سازمان در سطح بسیار بالایی برگزار می گردد و حتی در اجلاس چند سال پیش آن رییس جمهور فرانسه شخصا در آن شرکت داشت. (هانتینگتون، ۱۳۹۰: ۵۴)

در واقع این سازمان ها، پدیده هایی هستند که روابط بین المللی را نهادینه می کنند بدون اینکه بتوانند یک سازمان بین المللی محسوب شوند. زیرا وقتی ما برای آنها شخصیت حقوقی بین المللی قایل نشویم، به معنای این است که حیات مستقلی برای آنها قایل نیستیم و وقتی حیات مستقلی نداشته باشند، نمی توانند در قلمرو سازمان های بین المللی قرار گیرند. ولی چنانچه حیات مستقلی از عناصر تشکیل دهنده ی خود پیدا کنند، می توانند یک سازمان بین المللی محسوب شوند. نمونه ی دیگر این پدیده ها، «اتحادیه ی بین المجالس» است که تمام مجالس دنیا در این اتحادیه شرکت می کنند ولی سازمان بین المللی محسوب نمی شود؛ زیرا اعضای تشکیل دهنده ی آن از لحاظ حقوق داخلی کشورشان صلاحیت تشکیل سازمان را ندارند و از طرف دیگر، فاقد

شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشند. شخصیت حقوقی بین‌المللی یک سازمان را چگونه می‌توان احراز کرد؟ در پاسخ باید گفت: شخصیت حقوقی معمولاً باید در سند موسس سازمان ذکر شود و یا اگر در سند ذکر نمی‌شود ما باید بطور ضمنی بتوانیم با توجه به اساسنامه‌ی آن نهاد، آنرا استخراج کنیم. یکی از مهمترین آثار شخصیت حقوقی، صاحب حق و تکلیف شدن است. یعنی داشتن صلاحیت انعقاد معاهده، برقراری رابطه با دیگر اعضای جامعه‌ی بین‌المللی، پذیرش مسئولیت بین‌المللی، صلاحیت اقامه‌ی دعوی، و..... آثار حقوقی کسب شخصیت بین‌المللی سازمانها:

- ۱- موجب پیدایش موجودیت جدیدی به عنوان تابع حقوق بین‌الملل می‌شود. ۲- استقلال در تصمیم‌گیری. ۳- داشتن استقلال مالی. ۴- استقلال حقوقی سازمان. {تقاضای طرح و اقامه دعوا} ۵- داشتن دارایی و اموال مستقل. (موسی زاده، ۱۳۹۰: ۸۰)

الف) زیربنای شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی

در مورد زیربنای شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی، دو نظریه وجود دارد. برخی معتقدند که شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، ناشی از حقوق بین‌الملل است؛ یعنی حقوق بین‌الملل است که به یک سازمان شخصیت حقوقی بین‌المللی اعطا می‌کند. بر اساس این نظریه، سند موسس سازمان یا قصد ایجاد کنندگان این سند نیست که به سازمان شخصیت حقوقی اعطا می‌کند، بلکه همینکه یک سازمان عناصر لازم از قبیل اعضا، مقر و... داشته باشد، از سوی حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی خواهد شد.

نظریه‌ی دیگر این است که در نظام کنونی بین‌المللی نمی‌توانیم اراده‌ی دولتها و قصد متعاهدین را نادیده بگیریم. به عبارتی، ما باید به سند موسس سازمان که تجلی‌گاه اراده و توافق دولتهاست اهمیت ویژه‌ای قایل شویم. بنابراین، چنانچه دولتها نخواستند، هیچ سازمان بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی نخواهد شد. لذا زیربنای شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی را باید در سند موسس و اراده‌ی مشترک دولتها جستجو کرد.

سوالی که ممکن است مطرح شود این است که آیا دولتها باید به صراحت در سند موسس اراده‌ی خود را ذکر کنند؟ به عبارتی، آیا صراحتاً در سند موسس باید ذکر شود که سازمان دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است؟ (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

در پاسخ باید گفت که ذکر شخصیت حقوقی بین‌المللی در سند موسس بطور صریح لازم نیست، بلکه همینکه سازمان بر اساس سند موسس موظف است حقوق و تکالیفی را اعمال نماید، کافی است که برای آن شخصیت حقوقی بین‌المللی قایل شویم. چرا که لازمه‌ی برخوردار بودن از حقوق و تکالیف، داشتن اهلیت است (چه این اهلیت صراحتاً ذکر شود و چه صراحتاً ذکر نشود). مثلاً منشور ملل متحد می‌گوید: این سازمان در سرزمین هر یک از دولتهای عضو دارای اهلیت حقوقی است. بنابراین، شخصیت حقوقی ممکن است صریح باشد و ممکن است ضمنی. ضمنی یعنی اینکه در سند موسس ذکر نشده، بلکه ما آنرا به تبع حقوق و تکالیف یک سازمان کشف می‌کنیم.

سوال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا شخصیت حقوقی، منشا حقوق و تکالیفی غیر از آنچه در سند موسس ذکر شده، می‌شود یا خیر؟

پاسخ این است که علی‌الاصول، منشا حقوق و تکالیف سند موسس است. اما گاهی دیده می‌شود که سازمان برای نیل به اهداف خود، نیاز به یکسری حقوق و اختیاراتی دارد که صراحتاً در سند موسس ذکر نشده است، اما لازمه‌ی رسیدن به اهداف سازمان می‌باشد. در چنین حالتی به آن دسته از اختیاراتی که به سازمان اجازه داده می‌دهد تا در نیل به اهداف خود از آنها استفاده کند «اختیارات ضمنی» گفته می‌شود و نظریه‌ای که این اختیارات بر مبنای آن به سازمان اعطا می‌شود، «تئوری اختیارات

ضمنی» نامیده می‌شود. بر اساس تئوری اختیارات ضمنی، ما به سازمان اختیاراتی را محول می‌کنیم که صراحتاً در سند موسس ذکر نشده است، اما برای نیل به اهداف سازمان لازم است. نمونه‌ی بارز آن «نیروهای حافظ صلح» سازمان ملل متحد یا «کلاه آبی‌ها» می‌باشند. در هیچ جای منشور ملل متحد ذکری از این نیروها به میان نیامده است، ولی بخاطر اینکه حفظ صلح و استقرار آرامش و امنیت بین‌المللی، هدف اولیه‌ی سازمان ملل متحد است، بر اساس این تئوری، سازمان ملل اختیار دارد چنین نیروهایی برای خود در اختیار بگیرد. مبنای حقوقی ایجاد چنین نیروهایی چیزی جز اختیارات ضمنی نیست. بنابراین، نمی‌توان گفت که حقوق و تکالیف سازمان محدود به همان چیزهایی است که در سند موسس ذکر شده است. (ضیائی بیگدلی، پیشین: ۱۲۳)

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که زیربنای شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی، سند موسس است که بیانگر اراده‌ی دولتهاست. این سند در عین حالی که حقوق و تکالیفی را برای سازمان تعیین می‌کند، می‌تواند مبنای اعطای حقوق و تکالیف دیگری نیز باشد که صراحتاً ذکر نشده است، و آن اختیارات ضمنی است.

ب) گستره و دامنه‌ی شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی

در مورد دولتها، اصل برابری بر آنها حکومت می‌کند. در این راستا، ماده‌ی ۲ (۱) منشور ملل متحد بیان می‌دارد: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه‌ی اعضا قرار دارد».

اصل برابری دولتها بر می‌گردد به معاهدات و ستفالی در سال ۱۶۴۸، که پس از پایان جنگ‌های سی‌ساله‌ی اروپا به تصویب رسیدند. اصل برابری دولتها بیان می‌دارد که همه دولتها با هم برابرند. بعنوان مثال همه‌ی دولتهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هر کدام دارای یک رای می‌باشند. مثلاً آمریکا با آن قدرت نظامی و اقتصادی دارای یک رای می‌باشد، کشور «تائولو» هم که ۱۱ هزار نفر جمعیت دارد، در مجمع عمومی دارای یک رای می‌باشد. بنابراین از لحاظ حقوقی، بین دولتها تفاوتی نیست.

اما در سازمانهای بین‌المللی همانند دولتها، اصل برابری شخصیت حقوقی حاکم نیست. به عبارتی، گستره‌ی شخصیت حقوقی از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. ممکن است یک سازمان، صلاحیت عام داشته باشد و در نتیجه، شخصیت حقوقی گسترده‌ای داشته باشد؛ و ممکن است سازمانی صلاحیت خاص داشته باشد در نتیجه، شخصیت حقوقی آن هم بسته به موارد فعالیت آن محدود باشد. گستره‌ی شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی، به حقوق و تکالیفی بر می‌گردد که در سند موسس ذکر شده است. چنانچه در سند موسس حقوق و تکالیف متعددی برای سازمان به رسمیت شناخته شده باشد، شخصیت حقوقی آن هم گسترده خواهد شد و چنانچه این حقوق و تکالیف محدود باشد، شخصیت حقوقی نیز محدود خواهد شد. (جمالی، ۱۳۸۵: ۶۹)

ج) قلمرو اجرایی یا دامنه شمول شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی

سوالی که در این خصوص مطرح است این است که آیا دامنه‌ی شمول و قلمرو اجرایی شخصیت حقوقی بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی، محدود به اعضاست یا می‌توان سند موسس یک سازمان بین‌المللی را به دولت یا دولتهای غیر عضو هم تحمیل کرد؟

پاسخ این است که علی‌الاصول، شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی، فقط به اعضا قابل تحمیل است؛ زیرا گفتیم که معاهدات موسس سازمانهای بین‌المللی عمدتاً از نوع معاهده قرارداد هستند. به عبارتی تابع اصل نسبی بودن معاهدات می‌باشند؛ یعنی فقط نسبت به متعاهدین ایجاد تعهد می‌کند. اصل دیگری نیز وجود دارد که بیان می‌دارد: هیچ تعهدی را

نمی‌توان بدون رضایت یک دولت به آن تحمیل کرد. لذا اگر بخواهیم شخصیت حقوقی یک سازمان را به دولتی تحمیل کنیم باید آن دولت رضایت بدهد.

با این حال، ورای اصول ذکر شده، این مساله نیز وجود دارد که اگر مفاد سند موسس به صورت قواعد عرفی درآمدی باشد که از سوی دولت‌های غیر عضو مورد اعتراض واقع نشده باشد، و یا اگر مفاد سند موسس، ویژگی قاعده‌ی آمره پیدا کرده باشد، در این صورت می‌توان شخصیت حقوقی را لاقلاً در قسمتهایی که این ویژگی را پیدا کرده است، به دولت‌های ثالث تحمیل کرد. اما قدر مسلم این است که در یک معاهده‌ی موسس یک سازمان بین‌المللی، تمام مفاد معاهده از چنین ویژگی برخوردار نخواهد شد. مثل حق عضویت که هیچگاه تبدیل به یک قاعده‌ی عرفی یا آمره نخواهد شد. ولی اصولی که ارتباط با قواعد بنیادین جامعه‌ی بین‌المللی و نظم بین‌المللی دارند، می‌توانند به سایر دولت‌های غیر عضو نیز تسری یابند. مثلاً تمامی دولت‌های جهان و حتی دولت‌هایی که عضو منشور ملل متحد نباشند، در رابطه با آن قسمت از مفاد منشور که مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شود، مکلف هستند؛ چرا که مسایل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی، از ویژگی آمره بودن برخوردار هستند. (عامری، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

بنابراین، قلمرو اجرایی شخصیت حقوقی علی‌الاصول محدود به دولت‌های عضو است و امکان تسری به دول ثالث وجود ندارد مگر با رضایت آنها. اما چنانچه برخی یا تمام مفاد سند موسس به صورت یک قاعده‌ی عرفی بلا اعتراض یا قاعده‌ی آمره درآمدی باشد، در این صورت بدون رضایت دولت‌ها به آنها تحمیل می‌شود.

۱-۴- دولت و سازمان‌های بین‌المللی

دولت واحدی است که در بردارنده چهار عنصر و ویژگی است؛ ۱. جمعیت، ۲. سرزمین، ۳. حکومت یا سازمان، ۴. حاکمیت بر این اساس باید توجه داشت که «دولت یک کل است»؛ «همه مردم عضو آن هستند»؛ «کم و بیش دائمی است»؛ «نیازمند سازمان است»؛ «از حق حاکمیت و انحصار قدرت مطلق و نامحدود» برخوردار است. هیچ کشوری وظیفه ندارد که کشور دیگر و یا حکومت دیگر را به رسمیت بشناسد مگر اینکه منافع کشور شناسنده ایجاب نماید و از طرفی هیچ کشوری محق نیست که مورد شناسایی قرار بگیرد و آنرا از دیگران مطالبه نماید. اگر کشوری علیرغم اینکه تمامی خصوصیات توصیف شده در روابط بین‌المللی و یا آراء دیوان بین‌المللی دادگستری (قلمرو- جمعیت- حکومت و حاکمیت) را واجد باشد چنانچه حداقل مورد شناسایی یک کشور قرار نگیرد نمی‌تواند بعنوان سوژه حقوق بین‌المللی قرار گیرد. چنانکه کشور یک میلیاردی مانند جمهوری خلق چین سالیان دراز مورد شناسایی تعداد زیادی از کشورها قرار نگرفت. از نظر حقوقی عضویت در سازمان ملل متحد نیز نمی‌تواند تکلیفی برای سایرین جهت برسمیت شناختن آن ایجاد نماید. کما اینکه اسرائیل دهها سال است که عضو سازمان ملل است و هنوز تعداد زیادی از کشورها آنرا به رسمیت نمی‌شناسد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۸۹)

۲- ریشه‌ی تاریخی سازمان‌های بین‌المللی

کنگره وین ۸۱۸۱ با ابتکار سیستم کنسرت نقطه عطفی در ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و نحوه فعالیت آنها بوده است. نخستین کنفرانس خصوصی که اشخاص خصوصی در حمایت از انسانها تشکیل دادند. کنوانسیون جهانی ضد بردگی در پارلمان اروپا اعضای آن نمایندگان دولت نبوده بلکه نماینده مردم هستند. هر سازمان با هر هدفی و ترکیبی باید حداقل دو رکن داشته باشد، آن دو عبارت اند از دبیرخانه و مجمع عمومی. در یونان و رم باستان افرادی امور تجاری و بازرگانی اشخاص دولت متبوع خود را در خارج از کشور بر عهده داشتند که به آن‌ها «کنسول» می‌گفتند. بعدها نمایندگان سیاسی نزد سایر کشورها ارسال کردند که به آن‌ها «سفیر» می‌گفتند - از قرن ۱۵ با پیشنهاد دولت ایتالیا دیپلماسی دوگانه (کنسول- سفیر) جای

خود را به سفیر دیپلماتیک دائم سپرد - از قرن ۱۹ تشکیل کنفرانس های بین المللی برای حل و فصل اختلافات دو یا چند جانبه بین المللی و منطقه ای مرسوم شد - کنگره وین با ابتکار سیستم (کنسرت) نقطه عطفی در ایجاد سازمان های بین المللی است - کنفرانس های لندن که در پایان جنگ های بالکان برگزار شد آخرین کنفرانس هایی بود که در چهارچوب سیستم کنسرت اروپا تشکیل شد اگر یک قدم به عقب برگردیم؛ ریشه‌ی سازمان‌های بین‌المللی از لحاظ تاریخی، به دوران عهد عتیق و بطور دقیق به زمان دولت-شهرهای یونان برمی‌گردد. در دوران عهد عتیق، یکی از مهمترین تجمع‌های سیاسی که وجود داشته است، دولت-شهرهای یونان مثل «آتن» و «اسپارت» بوده است. این دولت-شهرها مهد تمدن، فلسفه و علم بوده‌اند. لذا، فعالیت‌های سیاسی در آنجا بیشتر در جریان بوده است. (جمالی، ۱۳۸۵: ۲۳) در عین حال، با توجه به اینکه این دولت-شهرها با تجمع‌های سیاسی آن زمان درگیری داشتند، مجبور بودند که قدرت‌های جدای از یکدیگر را به صورت نهادی متمرکز درآوردند تا بدین وسیله بتوانند در پناه این نهاد تازه تاسیس شده، در مقابل قدرت‌های خارجی مقاومت کنند. در زمان این دولت-شهرها، دو دسته سازمان را می‌توانیم مشاهده کنیم:

الف: «آمفیکسیون»

که دولت-شهرهای یونان، در چهارچوب این آمفیکسیون‌ها، قدرت نظامی خود را متمرکز می‌کردند و استراتژی واحد نظامی را اخذ می‌کردند تا بتوانند در مقابل تهاجمات خارجی مقاومت کنند و حملات آنها را دفع کنند.

ب: «سیماشی یا سیماجی»

که این سازمان‌ها عمدتاً نهادهایی بودند که توسط اینها، دولت-شهرهای یونان از اماکن مقدس مذهبی خود در مقابل تهاجمات خارجی دفاع می‌کردند. دولت-شهرهای یونان این شیوه‌ی خود را ادامه دادند تا آن زمان که آتن داعیه‌ی امپریالیستی پیدا کرد و تصمیم گرفت سلطه‌ی خودش را بر سایر دولت-شهرهای یونان بلکه سراسر جهان گسترش دهد و بدنبال آن حمله‌ی معروف آتن به اسپارت سبب شد که این سازمان‌ها رو به افول گذارند و دیگر نتواند به حیات خویش ادامه دهند. اما در کنار این تجربه، به میزانی که زندگی اجتماعی بین‌المللی پیشرفت می‌کرد، ضرورت ایجاد چنین تمرکزهایی میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌ی بین‌المللی حس می‌شد. مهمترین محملی که سبب می‌شد این احساس در بین آنها ایجاد شود، در ابتدا روابط سیاسی و دیپلماتیک بود و بهترین جایی که می‌توانست این روابط تنظیم شود، همین نهادهایی بود که توسط این دولت‌ها بوجود می‌آمد. اما رفته‌رفته قلمرو فعالیت سازمان‌های بین‌المللی گسترش یافت و نه تنها عرصه‌های سیاسی، بلکه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... را نیز تحت پوشش قرار داده است. امروزه زندگی بین‌المللی بدون سازمان‌های بین‌المللی اصلاً قابل تصور نیست. یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی‌توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد. به عبارت دیگر، در حال حاضر امکان‌پذیر نیست که دولتی وجود داشته باشد و حداقل عضو یک سازمان منطقه‌ای نباشد. (تاموشات، ۱۳۸۶: ۱۸۷)

۳- مبانی نظری صلاحیت سازمانهای بین المللی

صلاحیت سازمان های بین المللی عبارت از اختیاری است که به موجب تصویب اساسنامه برای اعضای سازمان داده می شود تا در چهارچوب آن به اهداف خود نایل آید. اگر چه صلاحیت یک سازمان در اساسنامه تعیین می شود ولی در عمل در بسیاری موارد رجوع به صلاحیت صریح صورت نمی گیرد یا موارد مندرج در اساسنامه برای پیشبرد فعالیت سازمان کافی نمی باشد و یا به طور صریح پیش بینی نه شده است پس سؤال در اینجا طوری مطرح می شود که آیا صلاحیت اعضای سازمان تنها محدود به موارد مندرج در اساسنامه است یا خارج از آن هم صلاحیت دارد. (عامری، ۱۳۹۰: ۱۹۰)

در پاسخ به سؤال بالا دو نظریه ارائه شده است:

الف) نظریه «صلاحیت تصریح شده»

به اساس این نظریه سازمان سازمان های بین المللی تنها در حدود اختیارات و وظایف که صراحتاً توسط دولت های به وجود آورنده جهت پیشبرد فعالیت های آن ها اعطاء شده، صلاحیت دارد و خارج از آن صلاحیتی ندارند یعنی محدود به صلاحیت مندرج در اساسنامه می باشند. پروفیسور روتر و هانس کلسن از طرفداران این نظریه می باشند.

ب) نظریه «صلاحیت ضمنی»

طرفداران این نظریه معتقدند که سازمان تا آنجا صلاحیت دارد که برای انجام اهداف آن ضروری باشد و محدود به موارد مندرج در اساسنامه نمی باشد. طرفداران این نظریه استدلال بر رأی دیوان بین المللی عدالت در سال ۱۹۴۹ راجع به ترمیم خسارات وارده به اعضای سازمان ملل متحد می کند یا در موضوع کشورهای آفریقای دیوان به سازمان ملل متحد مشوره می دهد. در رأی اول خویش «سازمان ملل متحد بالاترین نمونه و الگوی سازمان های بین المللی است و اگر از شخصیت حقوقی برخوردار نباشد قادر به تأمین اهداف مؤسسين آن نخواهد بود» در رأی دوم خود سازمان ملل متحد را جایگزین جامعه ملل تلقی می نماید.

خانم باستید و پروفیسور شرموس از طرفداران این نظریه می باشند.

صلاحیت سازمان های بین المللی را می توان از طروق ذیل شناسایی کرد:

- از طریق بررسی اساسنامه و سایر اسناد سازمان مانند معاهده مقرر، اساسنامه و معاهدات چند جانبه
- از طریق عملکرد سازمان مبادرت به عملی نموده باشد یا اقدام به عملی نموده باشد که در اساسنامه آن قید نه شده باشد ولی دولت ها انتقاد نه کرده باشد که در واقع طور ضمنی قبول نموده است.
- از طریق مطالعه اهداف سازمان چون دلیل ایجاد سازمان روی به دست آوردن هدف آن است طوریکه سازمان ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ایجاد شده است؛ لذا هر اقدامی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی باشد از صلاحیت سازمان بین المللی است. (عامری، ۱۳۹۳: ۱۳۰)
- از طریق فعالیت چهارچوب آن مثلاً چهارچوب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تربیتی و غیره می توان صلاحیت آن را از فعالیت آن تشخیص نمود.

۴- طبقه بندی سازمان های بین المللی

بطور عمده، سازمان های بین المللی را می توان به چهار دسته یا شکل طبقه بندی کرد که این طبقه بندی بر اساس معیارهای زیر صورت می گیرد:

الف: طبقه بندی سازمان های بین المللی بر اساس ماهیت اعضا

سازمان های بین المللی براساس ماهیت اعضا به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- سازمان های بین المللی بین الدولی؛ ۲- سازمان های بین المللی غیر دولتی. (غفوری، ۱۳۹۳: ۷۸)

۱- سازمان های بین المللی بین الدولی

منظور از این سازمان ها، سازمان هایی هستند که متشکل از دولت ها می باشند؛ خواه جهانی باشند خواه منطقه ای. پس ملاک در این سازمان ها این است که عناصر تشکیل دهنده آنها دولت ها می باشند. البته ممکن است که در یک سازمان بین الدولی، نهادهای غیر دولتی هم عضو باشند اما تصمیم گیرنده نیستند. مثلاً در سازمان ملل متحد، جنبش های آزادی بخش هم نماینده

دارند ولی حق شرکت در تصمیم‌گیری سازمان را ندارند. مثلا نماینده‌ی سازمان آزادی بخش فلسطین در تمام کنفرانس‌ها و اجلاس‌ها شرکت می‌کند و عنداللزوم در جلسات شورای امنیت نیز شرکت می‌کند ولی حق رای ندارد. به این دسته از اعضا، اعضای ناظر اطلاق می‌کنند. لذا، مراد از اعضا، اعضای است که عنصر تشکیل‌دهند محسوب شوند و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته و از حق رای برخوردار باشند. سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی ممکن است مانند سازمان ملل متحد، یونسکو و سازمان بین‌المللی کار در سطح جهانی باشند و ممکن است مانند سازمان وحدت آفریقا، اتحادیه‌ی اروپا و سازمان دولت‌های آمریکایی، در سطح منطقه‌ای باشند.

در سازمان‌های بین‌المللی جهانی، ممکن است نمایندگان سایر سازمان‌های بین‌المللی را مشاهده کنیم، ولی این نمایندگان حق رای ندارند و فقط بعنوان ناظر در جلسات سازمان حضور دارند. مثل نماینده‌ی سازمان کنفرانس اسلامی که معمولاً در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت می‌کند. یا نماینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا یا اتحادیه‌ی عرب که در جلسات سازمان ملل شرکت می‌کنند ولی حق رای و شرکت در تصمیم‌گیری ندارند؛ با این حال، می‌توان از نظرات، راهنمایی‌ها و اطلاعات آنها استفاده کرد. (مقتدر، ۱۳۹۶: ۱۷۸)

۲- سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

«سازمان‌های غیر دولتی»، که یکی از مهمترین عناصر تشکیل جامعه‌ی مدنی جهانی بشمار می‌روند، به سازمانهایی گفته می‌شوند که از اشخاص حقیقی یا حقوقی دولتهای مختلف تشکیل می‌شوند. همانطوری که از نامشان پیداست، این سازمانها بین‌الدولی نیستند و دارای وجوه افتراقی با سازمانها بین‌الدولی می‌باشند. (فلسفی، ۱۳۷۹: ۹۰)

وجه اول افتراق این سازمان‌ها با سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی این است که سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی، علی‌الاصول بر اساس یک معاهده‌ی بین‌المللی بوجود می‌آیند، در حالی که سازمان‌های غیر دولتی براساس مقررات داخلی یک دولت بوجود می‌آیند. فرق دوم در مورد شخصیت حقوقی است. سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی، علی‌الاصول دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، ولی سازمان‌های غیر دولتی به سادگی نمی‌توانند دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی شوند؛ چرا که هم در دکتترین حقوقی اختلاف نظر است و هم در اسناد بین‌المللی. از لحاظ دکتترین، پاره‌ای از حقوقدانان معتقدند که چون فرد تابع حقوق بین‌الملل است (اصل را بر این می‌گیرند که فرد تابع حقوق بین‌الملل است)، به طریق اولی تجمع آنها هم تابع حقوق بین‌الملل می‌شود و لذا دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌شوند. اما برخی معتقدند بطور کلی هیچ‌گاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی دارای شخصیت حقوقی نمی‌شوند؛ زیرا قبول ندارند که فرد تابع حقوق بین‌الملل باشد و بدیهی است که وقتی فرد را تابع حقوق بین‌الملل ندانیم، برای تجمع آنها نیز نمی‌توانیم شخصیت حقوقی بین‌المللی قایل شویم.

گروه سومی از حقوقدانان هستند که نظر بینابینی دارند و آن اینکه ما با توجه به عملکرد سازمان باید ببینیم که دارای شخصیت حقوقی هست یا خیر. این نظریه تا حدی با رویه‌ی قضایی بین‌المللی منطبق است. این نظریه ناشی از یک نظر مشورتی می‌شود که دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹ تحت عنوان «خسارات وارده به سازمان ملل متحد» صادر کرده است. قضیه از این قرار بود که بعد از اعلام دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، جنگ شدیدی بین اعراب و اسرائیل درگرفت. بدنبال این مساله دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، از طرف خودش، یک میانجی به نام «کنت برنادوت» از اهالی سوئد، که کارمند سازمان ملل بود برای خاتمه دادن به این وضعیت به سرزمین‌های اشغالی فرستاد. این فرد در اسرائیل کشته شد. بعد از کشته شدن این سوال مطرح شد که آیا سازمان ملل متحد می‌تواند علیه دولتی که به صورت دفاکتو وجود دارد، اقدامی دعوی کند یا خیر؟ علت این سوال هم آن است که بر اساس ماده‌ی ۳۴ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری فقط دولت‌ها

حق رجوع به این دیوان را دارند و بحثی از سازمان‌ها به میان نیامده است. در این قضیه، دیوان اعلام کرد که ما برای تشخیص سازمان‌ها نباید به ماهیت افرادی که در آنجا حضور دارند توجه کنیم، بلکه باید به ماهیت عمل و عملکرد سازمان توجه کنیم. یعنی باید با توجه به عملکرد سازمان تشخیص بدهیم که آیا این سازمان دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هست یا خیر. سپس نتیجه گرفت که با توجه به عملکرد سازمان ملل متحد، این سازمان دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشد. (هلگا، ۱۳۹۲: ۹۸)

نکته‌ی مهمی که می‌توانیم از این قضیه برداشت کنیم این است که ما با توجه به ماهیت افراد، اعطای شخصیت حقوقی نمی‌کنیم، بلکه با توجه به «عملکرد» سازمان و با توجه به اشتغالات سازمان، قایل به شخصیت حقوقی می‌شویم. حال با توجه به این قسمت از رای، اگر ما بتوانیم به این نتیجه برسیم که عملکرد یک سازمان غیر دولتی دارای بعد بین‌المللی است، پس این سازمان دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود و اگر بعد بین‌المللی نداشته باشد، دارای شخصیت حقوقی نخواهد بود. بنابراین، در خصوص سازمان‌های غیر دولتی نمی‌توان حکم واحد و کلی صادر کرد که تمام آنها دارای شخصیت حقوقی هستند و یا هیچ کدام از آنها دارای چنین شخصیتی نیست. بلکه باید به عملکرد آن نگاه کنیم. مثلاً «کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ» که مجری کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو در مخاصمات مسلحانه می‌باشد، چون فعالیت این کمیته بین‌المللی است پس می‌توانیم حکم کنیم که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است. اما مسأله‌ی شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی در اسناد بین‌المللی از اوایل قرن ۲۰ یعنی سال‌های ۱۹۱۱ به بعد بود که در «موسسه‌ی حقوق بین‌الملل» مطرح شد. پیش‌نویس‌هایی هم مطرح شد ولی النهایه تا کنون ره به جایی نبرده است. یعنی ما دارای یک کنوانسیون بین‌المللی جهانی در مورد سازمان‌های غیر دولتی نیستیم. اما در چهارچوب «شورای اروپا» در سال ۱۹۸۶ معاهده‌ای در ۱۱ ماده منعقد شده است معروف به «معاهده‌ی استرازابورگ». بر اساس این معاهده، سازمان غیر دولتی که حداقل در دو کشور دارای فعالیت باشد، دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی محسوب می‌شود. البته باید اذعان داشت که معاهده‌ی مزبور، یک معاهده‌ی جهانی نیست. بلکه کنوانسیون‌ی است که حداکثر بین کشورهای عضو شورای اروپا لازم‌الاجراست. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در بسیاری از قطع‌نامه‌های خودش که براساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر می‌کند، برای این سازمان‌ها حق و تکلیف قایل می‌شود که نمونه‌ی بسیار بارز آن در بحران عراق و بحران بوسنی و هرزگوین مشاهده می‌شود. قطع‌نامه‌ی ۶۸۸ به دولت عراق دستور می‌دهد که باید اجازه بدهد سازمان‌های غیر دولتی بشردوستانه بتوانند کمک‌های خودشان را به مردم عراق برسانند. پس می‌بینیم در اینجا نوعی حق برای سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی ایجاد شده است. بنابراین، با اینکه می‌دانیم که سازمان ملل متحد یک سازمان بین‌الدولی است و طرف و مخاطب آن قاعدتاً باید دولت باشد، ولی وقتی می‌بینیم این سازمان برای یک نهاد غیر دولتی قایل به حقوق و تکالیف می‌شود، می‌فهمیم که به نوعی برای این نهادها قایل به شخصیت حقوقی است. یعنی بیان می‌کند که نهادهای غیر دولتی هم می‌توانند صاحب حق و تکلیف باشند. به همین علت در حقوق بین‌الملل، با توجه به همین قطع‌نامه‌های شورای امنیت می‌گویند که «سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی دارای شخصیت حقوقی عملی شده‌اند». یعنی در عمل به آنها اعطای شخصیت حقوقی شده است. (غفوری، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

از طرفی نیز می‌دانیم که امروزه قطع‌نامه‌های سازمان ملل، یکی از منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود؛ یعنی می‌توانیم به استناد همین قطع‌نامه‌ها بگوییم که سند بین‌المللی وجود دارد. به عبارتی همین قطع‌نامه‌ها را می‌توانیم بعنوان سند ارایه دهیم و به آنها استناد کنیم. مثلاً می‌توانیم بگوییم به استناد قطع‌نامه‌ی ۶۸۸ شورای امنیت، که برای سازمان‌های غیر دولتی نوعی حق را به رسمیت شناخته است، سازمان‌های غیر دولتی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشند.

رفته‌رفته، با توجه به تحولاتی که در جامعه‌ی بین‌المللی روی می‌دهد، سازمان‌های غیر دولتی روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند و حضور این سازمان‌ها روز به روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. علت آن هم این است که ایجاد این سازمان‌ها نسبت به سازمان‌های بین‌الدولی فوق‌العاده ساده‌تر است؛ زیرا سازمان بین‌الدولی برای تشکیل ابتدا نیاز به معاهده بین دولت‌ها دارد؛ مذاکره نیاز دارد؛ در انعقاد معاهده هم تضاد منافع پیش می‌آید و چندین مشکل دیگر. اما سازمان‌های غیر دولتی همین که چند نفر تصمیم به ایجاد آن بگیرند و آنرا در ثبت شرکت‌های یکی از کشورها به ثبت برسانند، تشکیل می‌شود. لذا مکانیزم ایجاد سازمان‌های غیر دولتی فوق‌العاده ساده است. شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۰ طی قطع‌نامه‌ی اعلام کرد: «هر سازمانی که سند موسس آن ناشی از یک موافقت‌نامه‌ی بین‌الدولی نباشد، یک سازمان غیر دولتی است».

حضور این سازمان‌ها در صحنه‌های مختلف سبب شد که اولین بار در منشور ملل متحد در ماده‌ی ۷۱ برای این سازمان‌ها امکان داشتن مقام مشورتی در «شورای اقتصادی اجتماعی» ملل متحد در نظر گرفته شود. بر اساس ماده‌ی ۷۱ منشور سازمان ملل متحد، سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند طرف مشورت اکوسوک در قلمرو فعالیت‌های آن سازمان قرار گیرند. خواهیم دید که اکوسوک، قسمتی اعظم از فعالیت‌های سازمان ملل متحد در مورد امور اقتصادی و اجتماعی را بر عهده دارد که در حال حاضر بیش از ۲۰۰۰ سازمان غیر دولتی با آن شورا، همکاری می‌کنند. بودجه‌ی این سازمان‌ها معمولاً از طریق کمک‌های داوطلبانه و مردمی است. ولی در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها به آنها کمک مالی می‌کنند. حتی در بلژیک و فرانسه قانون خاص وجود دارد که به این سازمان‌ها کمک کنند. در بودجه‌ی سال ۸۴ نیز حدود یک میلیارد تومان برای کمک به احزاب سیاسی که در حقیقت نوعی سازمان غیر دولتی هستند، پیش‌بینی شده بود. سازمان‌های غیر دولتی، در چهار محور مهم فعالیت می‌کنند که عبارتند از: الف) سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری که طرفدار حقوق بشر هستند مثل فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر؛ ب) سازمان‌های غیر دولتی بشردوستانه که به مسایل مخاصمات مسلحانه مربوط می‌شوند مثل کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ؛ ج) سازمان‌های غیر دولتی که در قلمرو توسعه از جمله توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌کنند؛ د) سازمان‌های غیر دولتی زیست محیطی مانند «سازمان صلح سبز بین‌الملل» که طرفدار محیط زیست می‌باشد. (محکی، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

بنابراین، مشاهده می‌کنیم که بیشتر فعالیت این سازمان‌ها در عرصه‌های فوق متمرکز شده است، ولی این بدان معنا نیست که فعالیت آنها منحصر به همین زمینه‌هاست، بلکه برخی از آنها هستند که به مسایل خانوادگی، زنان، سقط جنین و... مشغولند. البته هر یک از سازمان‌های غیر دولتی، تنها در یک مورد خاص فعالیت می‌کند؛ اما بطور کل این سازمان‌ها در بیش از یکصد قلمرو فعالیت دارند.

نکته‌ی مثبتی که در خصوص سازمان‌های غیر دولتی وجود دارد این است که این سازمان‌ها به ندرت در انحصار دولت‌ها قرار دارند. به عبارتی هیچ کشوری هدایت انحصاری یک سازمان غیر دولتی را در دست نگرفته است؛ زیرا اعضای این سازمان‌ها دارای تابعیت‌های مختلف از سراسر جهان هستند. هرچند ممکن است اعضای تشکیل دهنده‌ی آن از یک کشور خاص باشند. مثلاً کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ که ۲۵ سویسی آن را تشکیل دادند. اما اگر به مقر آن در ژنو مراجعه کنیم می‌بینیم که ملیت‌های مختلف اعم از آمریکا، آفریقا، آسیا نیز در آن عضویت دارند. پس اینطور نیست که هدایت و رهبری آن را کشور سوییس بر عهده داشته باشد.

سازمان غیر دولتی «پزشکان بدون مرز» نیز نمونه‌ی دیگری است. پزشکیانی از سراسر جهان با تابعیت‌های گوناگون در آن عضویت دارند. این سازمان حتی در مشهد نیز فعالیت داشت و در ارتباط با مهاجرین افغانی اقدام به ارائه‌ی خدمات پزشکی می‌کرد. اعضای این سازمان، آمریکایی، فرانسوی، آلمانی، سویسی و حتی ایرانی هم هستند.

بنابراین، ممکن است هسته‌ی اولیه‌ی این سازمان‌ها در یک کشور خاص پایه‌ریزی شود، اما حداقل بر اساس معاهده‌ی استراسبورگ باید در دو کشور فعالیت داشته باشند تا یک سازمان جهانی تلقی شوند و از دیدگاه کلاسیک باید در خیلی از کشورها فعالیت داشته باشد تا جهانی شود. بنابراین، اعضای این سازمان تابعیت‌های بسیار متنوع و متفاوت دارند. اما به این نکته نیز باید اذعان داشت که معمولاً اعضای تشکیل دهنده‌ی سازمان‌های غیر دولتی، دستشان در منابع مالی سازمان بازر است ولی وقتی به صورت بین‌المللی درآمدند، عملاً به اتباع سایر کشورها نیز این امر سرایت می‌کند. از طرفی چون اهداف این سازمان‌ها، غیر انتفاعی و عدم کسب سود و منفعت است، و اهداف آنها بشردوستانه است، خیلی زود رشد می‌کنند و به نتایج چشمگیری هم می‌رسند. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

ب: طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی بر اساس تعداد اعضا

سازمان‌های بین‌المللی، به لحاظ تعداد اعضا، به دو دسته‌ی «جهانی» و «منطقه‌ای» تقسیم می‌شوند.

۱- سازمان‌های بین‌المللی جهانی

سازمان‌های جهانی اعم از اینکه همانند سازمان ملل متحد صلاحیت عام یا همانند سازمان بین‌المللی کار صلاحیت خاص داشته باشند، سازمان‌هایی هستند که تمام دولت‌ها (فارغ از هر گونه وابستگی اقتصادی، جغرافیایی، ایدئولوژیکی) می‌توانند در آنها شرکت داشته باشند. (مشیر زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۲)

۲- سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سازمانهایی هستند که محدود به یک تعداد کشور خاص در یک منطقه‌ی مشخص هستند. حال این منطقه می‌تواند یک محدوده‌ی سیاسی، نظامی، اعتقادی و... باشد. به هر حال، محدودیت در این سازمان‌ها، امر مهمی است؛ یعنی به یک تعداد دولتهایی محدود است که منطبق با معیارهای آن سازمان است. مثلاً سازمان وحدت آفریقا، فقط محدود به دولتهایی است که در منطقه‌ی آفریقا وجود دارند. لذا یک دولت اروپایی نمی‌تواند در آن عضویت داشته باشد. (امیراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۷)

ممکن است سازمان‌های منطقه‌ای محدود به کشورهایی شوند که از توان نظامی بالا برخوردارند. مثلاً ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی)، سازمانی است که فقط کشورهای اروپای غربی و آمریکا در آن عضویت دارند؛ چرا که از توان نظامی بالا برخوردارند. ممکن است یک سازمان منطقه‌ای، مثل اکو یا اوپک، اقتصادی باشد، ممکن است مانند سازمان کنفرانس اسلامی، اعتقادی باشد؛ ممکن است مثل جامعه‌ی عرب، قومی و زبانی باشد. به هر حال، سازمان‌های منطقه‌ای محدود به دولتهایی است که دارای معیارهای مشخص باشند. (امیری، ۱۳۸۹: ۸۷)

اقسام سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سازمان‌های منطقه‌ای به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- سازمان‌های منطقه‌ای باز؛ ۲- سازمان‌های منطقه‌ای نیمه باز یا نیمه بسته؛ و ۳- سازمان‌های منطقه‌ای بسته. (تاموشات، ۱۳۸۶: ۸۱)

الف) سازمان‌های منطقه‌ای باز

سازمانهایی هستند که عضویت در آنها برای کلیه دولتهایی که با معیارهای آن سازمان هماهنگی دارند، امکان‌پذیر است. مثل سازمان وحدت آفریقا که تمام دولتهایی که در منطقه‌ی آفریقا حضور دارند، علی‌الاصول می‌توانند در آن عضو باشند. و یا سازمان کنفرانس اسلامی که هر ملتی که مسلمان باشد، می‌تواند به عضویت آن درآید. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۲۲)

ب) سازمان‌های منطقه‌ای نیمه باز یا نیمه بسته

سازمانهایی هستند که عضویت در آنها برای دولتهای جدید، منوط به موافقت سایر اعضای سازمان است که در صورت مخالفت آنها، امکان عضویت برای دولت جدید وجود ندارد. مثل اتحادیه‌ی اروپا که سازمانی است که عضویت در آن اتوماتیک نیست، بلکه هر دولتی که تقاضای عضویت دارد، باید از سوی سایر اعضا مورد پذیرش قرار گیرد. (غفوری، ۱۳۹۳: ۳۳)

ج: سازمان‌های منطقه‌ای بسته

سازمانی است که فقط منحصر به اعضای تشکیل دهنده است و دولت جدید در آن وارد نمی‌شود. البته امروزه چنین سازمانهایی بسیار اندک هستند. نمونه‌ی بارز آن بنلوکس (BENELUX) است که یک اتحادیه‌ی گمرکی و اقتصادی است بین سه کشور بلژیک، هلند و لوکزامبورگ. هدف این اتحادیه، برداشتن موانع گمرکی و گردش آزاد کالا فیما بین این سه کشور می‌باشد. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۰)

ج: طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی بر اساس نوع فعالیت

سازمان‌های بین‌المللی بر اساس نوع فعالیت و صلاحیتی که در جامعه‌ی بین‌المللی ایفا می‌کنند، به دو دسته‌ی «با صلاحیت عام» و «با صلاحیت خاص» تقسیم می‌شوند. (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹۰)

۱- سازمان‌های بین‌المللی با صلاحیت عام

سازمانهایی هستند که در تمامی یا اغلب زمینه‌های زندگی اجتماعی بشر فعالیت می‌کنند. حال ممکن است این سازمانها منطقه‌ای و یا جهانی باشند. مثلا سازمان ملل متحد، یک سازمان جهانی با صلاحیت عام و اتحادیه‌ی اروپا و سازمان وحدت آفریقا، یک سازمان منطقه‌ای با صلاحیت عام می‌باشند.

۲- سازمان‌های بین‌المللی با صلاحیت خاص

سازمانهایی هستند که در یک یا چند زمینه‌ی مشخص فعالیت می‌کنند. اما لازم به ذکر است که غالب این سازمانها، فقط در یک زمینه فعالیت دارند. سازمان بین‌المللی کار، سازمان بهداشت جهانی و سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (فائو)، نمونه‌های بارز سازمانهای بین‌المللی با صلاحیت خاص می‌باشند. چنانچه این سازمانها در خارج از قلمرو خود فعالیت کنند، اقدامات آنها و تصمیماتی که اتخاذ کنند، فاقد وجاهت قانونی است و از لحاظ حقوقی بلا اثر است. (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۳۹)

د: طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی بر اساس هدف

۱- سازمانهای بین‌المللی با هدف همکاری

هدف نهایی این سازمانها، ایجاد و بسط همکاری (Cooperation) است که بارزترین آنها، سازمان ملل متحد است. بند ۳ و ۴ ماده‌ی ۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: «۳- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسایل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب؛ ۴- این سازمان مرکزی است برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل، جهت حصول به هدفهای مشترک خود معمول می‌دارند». (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۸۹)

نکته‌ای که در خصوص این سازمانها باید ذکر شود این است که این سازمانها معمولاً در نهایت به سلطه می‌انجامد. چرا که معمولاً در این سازمانها اکثر دولتها (بزرگ و کوچک، قدرتمند و ضعیف) حضور دارند و معمولاً دولتهای بزرگ و قدرتمند حاضر نمی‌شوند که در تمام زمینه‌ها با دولتهای کوچک و ضعیف برابری داشته باشند بلکه همیشه خواهان حفظ برتری خود بوده‌اند. مثلاً در سازمان ملل متحد هیچگاه قدرتهای بزرگ حاضر نبوده‌اند که در تصمیمات مهم این سازمان، همه‌ی کشورها از نظر و رای یکسان برخوردار باشند. به همین دلیل می‌بینیم که قطع‌نامه‌های شورای امنیت که از مهمترین تصمیمات سازمان ملل متحد به شمار می‌روند، از سوی دولتهای بزرگ و قدرتمند تصویب می‌شوند. اما در برخی مسایل که از اهمیت چندان والایی برخوردار نیستند مثل تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل، همه‌ی اعضا از رای یکسان و مساوی برخوردارند.

۲- سازمانهای بین‌المللی با هدف وحدت (فراملی یا فوق‌ملی)

هدف نهایی این سازمانها، وحدت و یکپارچگی (Integration) دولتهای عضو است. در این حالت، سازمان در اموری که اعضای برای آن قایل به صلاحیت می‌باشند، بجای اعضا تصمیم می‌گیرد و تصمیمات آن هم الزام‌آور است. نمونه‌ی بارز آن اتحادیه‌ی اروپا است. این اتحادیه، در بخشهایی که دولتها صلاحیت خود را به آن تفویض کرده‌اند تصمیم‌گیری می‌کند. گفتیم که هدف نهایی آنها وحدت است و این وحدت به معنای ادغام شدن اعضای سازمان در عمل می‌باشد. مثلاً در زمینه‌ی تجاری، این اتحادیه‌ی اروپاست که به جای اعضا تصمیم می‌گیرد و این تصمیم برای فرانسه، بلژیک، هلند، آلمان، ایتالیا، لوکزامبورگ و دیگر اعضا لازم‌الاجراست. بنابراین می‌توان گفت که کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا در زمینه‌ی تجاری به نوعی وحدت رسیده‌اند. یا در قلمرو اقتصادی و پولی نیز به چنین مرحله‌ای رسیده‌اند به طوری که از اول ژانویه ۲۰۰۲، یورو بعنوان پول واحد اروپایی تعیین و در قلمرو تمام دولتهای عضو جریان پیدا کرد. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۶)

سازمانهای با هدف فوق‌ملی یا فراملی، معمولاً فعالیت خود را از قلمرو اقتصادی آغاز می‌کنند؛ چرا که رسیدن به وحدت و توافق در مسایل اقتصادی بسیار آسان‌تر است از سایر مسایل. تجربه هم ثابت کرده که سازمانهای اقتصادی در این خصوص از موفقیت بیشتری برخوردار بوده‌اند تا سایر سازمانها.

۵- نظام پذیرش در سازمانهای بین‌المللی

۵-۱- عضویت دولت جدید

سازمانهای بین‌المللی بعنوان نهادهای بین‌الدولی متشکل از دولتهای مستقل و حاکم می‌باشند. بنابراین، دولتها هستند که حق دارند وارد سازمان شوند. اما نهادهای دولتی هم حق حضور در این سازمانها را دارند. مثلاً حضور جنبش‌های آزادیبخش ملی و سازمانهای غیر دولتی در سازمان ملل متحد از جمله‌ی این موارد می‌باشد. اما در درجه‌ی اول، دولتها دارای حقوق کامل در سازمانها هستند و تصمیم‌گیرندگان واقعی سازمانها هستند. (عامری، ۱۳۹۰: ۱۴)

اما در مورد عضویت و ورود به سازمانهای بین‌المللی، باید متذکر شویم که علی‌الاصول عضویت جنبه‌ی ارادی دارد و نمی‌توان دولتی را مجبور به عضویت در یک سازمان کرد.

سوال: آیا امکان تسری اسناد موسس سازمانهای بین‌المللی به دول ثالث علیرغم عضویت آنها وجود دارد یا خیر؟ همانطور که می‌دانید، سند موسس خود یک معاهده‌ی بین‌المللی است. بنابراین باید سوال را اینگونه مطرح کنیم که آیا امکان تسری یک معاهده به دول غیر عضو وجود دارد یا خیر؟

پاسخ این است که معاهدات بین‌المللی را به طرق مختلف می‌توان به دول ثالث تسری داد. مثلاً گاهی با استناد به اصل «ملت کامله‌الوداد»؛ گاهی از طریق تعهد به نفع ثالث؛ گاهی از طریق انعقاد معاهدات عینی مثل معاهدات مرزی و... اما اسناد موسس

سازمانها را علی‌الاصول نمی‌توان به دول ثالث تسری داد مگر اینکه سند مزبور حاوی قواعد آمره باشد. مثلا برخی از مقررات منشور در ارتباط با صلح و امنیت جهانی، از ویژگی آمره بودن برخوردارند، لذا قابل تسری به دول ثالث می‌باشند. اما خارج از این مورد، کلیه اسناد موسس، تابع اصل نسبی بودن معاهدات می‌باشند؛ یعنی فقط برای طرفین و اعضا ایجاد تعهد می‌کند. در سند موسس برای عضویت، شرایطی ذکر می‌شود که دولت جدید برای اینکه بتواند به عضویت سازمان درآید باید واجد آن شرایط باشد. مثلا براساس ماده ۴ منشور ملل متحد، دولت جدید باید اولا طرفدار صلح (صلح‌دوست) باشد و ثانيا دولت متقاضی عضویت باید تعهدات مندرج در منشور را بپذیرد و ثالثا، دولت متقاضی باید توانایی و اقتدار انجام تعهدات را داشته باشد.

وقتی دولتی، متقاضی عضویت می‌شود، تقاضای عضویت خود را به شورای امنیت تقدیم می‌کند. چرا که رکن اصلی حفظ صلح و امنیت جهانی، شورای امنیت می‌باشد. شورا پس از بررسی سه شرط فوق‌الذکر، و احراز آن شرایط، پذیرش دولت جدید را به مجمع عمومی توصیه می‌کند. سپس مجمع براساس توصیه شورای امنیت در مورد پذیرش آن دولت تصمیم می‌گیرد و رای‌گیری می‌نماید. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۳۲)

۵-۲-تعلیق عضویت، خروج و اخراج از سازمان

۵-۲-۱-تعلیق عضویت

تعليق عضویت یک عضو از یک سازمان بین‌المللی معمولاً هنگامی است که دولت مزبور، به تعهدات خویش عمل نکند. مثلا ماده ۵ منشور ملل متحد بیان می‌دارد: اگر دولتی تعهدات خود را اجرا نکند یا مغایر با منشور ملل متحد عمل نماید، عضویت او به حالت تعلیق در می‌آید. برای تعلیق عضویت یک دولت، ابتدا شورای امنیت باید نقض تعهدات را احراز کند و سپس مسأله‌ی تعلیق عضویت را به مجمع توصیه کند و مجمع براساس این توصیه نسبت به تعلیق عضویت، تصمیم‌گیری نماید. اما علیرغم نقضهای متعددی که از سوی دولتهای عضو نسبت به منشور و سایر قواعد حقوق بین‌الملل صورت گرفته است، تا بحال سازمان ملل تصمیم بر تعلیق عضویت هیچ دولتی نگرفته است. و این بخاطر آن است که دولتها همچنان بر تعهدات خود باقی بمانند و اگر تصمیمی اتخاذ شود، مجبور به اجرا شوند. البته یک درجه پایین‌تر از تعلیق عضویت وجود دارد و آن تعلیق حق رای در مجمع عمومی است. براساس ماده ۱۷ منشور، مسأله بودجه‌ی سازمان ملل متحد، از صلاحیتهای مجمع عمومی است. حال اگر دولتی دو سال و یا به میزان دو سال از پرداخت حق عضویت امتناع کند و دلیل قانع‌کننده‌ای هم ارائه نکند، از حق رای در مجمع عمومی ممنوع می‌شود. اما عضویت آن کشور به حالت تعلیق در نمی‌آید. با این حال چنانچه عضویت دولتی به حالت تعلیق درآید، پذیرش مجدد آن به عضویت، باز بر عهده‌ی شورای امنیت و توصیه به مجمع است. (مشیر زاده، ۱۳۸۵: ۸۷)

۵-۲-۲-اخراج و خروج از سازمان

براساس ماده ۶ منشور ملل متحد، اگر دولتی تعهدات مندرج در منشور را بطور منظم و پیاپی نقض کند، براساس توصیه‌ی شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی، آن دولت از سازمان اخراج خواهد شد. بنابراین، هم در نظام پذیرش، تعلیق، پذیرش مجدد و اخراج، اول توصیه‌ی شورای امنیت لازم است و سپس تصمیم مجمع عمومی. اما تاکنون کشوری از سازمان ملل اخراج نشده است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۹۱)

۶- چارچوب فعالیت سازمان‌های بین‌المللی

در این مبحث سه موضوع مهم قابل بررسی است: ۱- صلاحیتهای سازمانهای بین‌المللی؛ ۲- ارکان سازمانهای بین‌المللی؛ ۳- ابزار و منابع مالی (بودجه) سازمانهای بین‌المللی. (عامری، ۱۳۹۰: ۶۴)

۶-۱- صلاحیتهای سازمانهای بین‌المللی

مراد از صلاحیتهای سازمانهای بین‌المللی، اختیاراتی است که سازمان در راه رسیدن به اهداف خود دارد. مهمترین وسیله‌ی احراز صلاحیتها و اختیارات یک سازمان بین‌المللی، سند موسس آن سازمان است. براساس سند موسس است که نوع و صلاحیت یک سازمان مشخص می‌شود. مثلا براساس سند موسس است که می‌گوییم فلان سازمان اقتصادی است، نظامی است، فنی است، اجتماعی است و... سوال: چه نیازی به اثبات و تعیین قلمرو صلاحیت یک سازمان وجود دارد؟ پاسخ این است که اگر سازمانی از قلمرو صلاحیت خود خارج شود، اقدامات صورت گرفته از سوی آن سازمان، فاقد وجاهت قانونی و اعتبار خواهد بود.

گاهی ممکن است یک سازمان، با توجه به اینکه هر سازمانی خود صلاحیت خود را مشخص می‌کند، فاقد صلاحیت لازم برای رسیدگی به امری تشخیص داده شود، هر چند خود سازمان قایل به صلاحیت مزبور باشد. بعنوان مثال در سال ۱۹۹۶، مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی، قطع‌نامه‌ای صادر کرد و براساس آن قطع‌نامه، از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای نظر مشورتی کرد که آیا با توجه به اینکه تسلیحات اتمی و هسته‌ای، آثار مخربی بر سلامت جسمی و روحی انسان و محیط زیست دارد، کاربرد این سلاحها و استفاده از آنها مشروع می‌باشد یا خیر؟

دیوان در پاسخ به این سوال اظهار داشت: «این مساله خارج از صلاحیت سازمان جهانی بهداشت است؛ زیرا قبل از هر چیز مساله‌ی استفاده از سلاحهای هسته‌ای و اتمی به صلح و امنیت بین‌المللی مربوط می‌شود که از اختیارات شورای امنیت است و سازمان بهداشت جهانی حق اظهار نظر در این زمینه و تقاضای نظر مشورتی ندارد. لذا، دیوان درخواست سازمان جهانی بهداشت را رد کرد. این در حالی بود که خود سازمان، برای خود نوعی صلاحیت در این خصوص قایل شده بود. حتی از ظاهر قضیه به نظر می‌رسد که سازمان بهداشت جهانی دارای چنین صلاحیتی باشد.

بنابراین، می‌بینیم که سازمانهای بین‌المللی بسیار تمایل دارند که صلاحیتهای خود را گسترش دهند. این تمایل می‌تواند دو دلیل عمده داشته باشد:

الف) عدم وجود یک نهاد نظارتی بیطرف برای تعیین حدود صلاحیت سازمانهای بین‌المللی: اغلب سازمانهای بین‌المللی فاقد یک مکانیسم نظارتی در خصوص صلاحیتهای هستند، بلکه خود سازمان است که حدود صلاحیت را تعیین می‌کند، مگر در مواردی که اختلافی نزد یک مرجع بین‌المللی مطرح شود و آن مرجع حدود صلاحیت آن سازمان را مشخص نماید، ولی علی‌الاصول خود سازمان صلاحیت خود را تعیین می‌کند.

بعنوان مثال، بعد از فروپاشی شوروی و ایجاد نوعی هماهنگی نسبی بین اعضای دایم شورای امنیت، شورا اقدام به تفسیر موسع منشور نمود و یکسری مسایلی را در قلمرو صلاحیت خود قرار داد که قبل از آن در صلاحیت شورا نبود. به همین دلیل بود که در بین حقوقدانان و مجامع بین‌المللی، بحث مشروعیت اقدامات شورای امنیت مطرح شد. حتی دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد (پطروس غالی) از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست تا در مورد مشروعیت اقدامات شورای امنیت نظر مشورتی بدهد و همین عامل باعث شد تا پطروس غالی با مخالفت آمریکا نتوانست برای مرتبه‌ی دوم بعنوان دبیرکل ملل متحد انتخاب شود؛ چرا که حاضر نبود تصمیمات شورای امنیت را سمعا و طاعتا به مورد اجرا بگذارد و همیشه مساله‌ی مشروعیت اقدامات شورای

امنیت را در ذهن می‌پروراند. بنابراین، ملاحظه می‌شود که عدم وجود یک مکانیسم نظارتی در خصوص صلاحیتهای سازمانهای بین‌المللی، باعث شده است تا سازمانها به میل خود اقدام به گسترش صلاحیتهای خود نمایند.

ب) امکان یا وجود برخی اصول که زمینه‌ی تفسیر موسع از اسناد موسس را فراهم می‌کند: چنانچه برای سازمانی امکان تفسیر موسع از اساسنامه وجود داشته باشد، بدیهی است که صلاحیتهای سازمان گسترش پیدا خواهد کرد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹ در قضیه‌ی «خسارات وارد به سازمان ملل متحد» گفت: لازم نیست که تمام صلاحیتهای و مسئولیتهای یک سازمان صراحتاً در سند موسس ذکر شود، بلکه بصورت ضمنی نیز دارای برخی صلاحیتهای می‌باشند. (غفوری، ۱۳۹۳: ۴۴) مثلاً از زمان فروپاشی شوروی و ایجاد نوعی هماهنگی نسبی بین اعضای شورای امنیت، تفسیر فوق‌العاده گسترده‌ای از مفهوم «صلح و امنیت بین‌المللی» صورت گرفته است؛ چرا که زمانی صلح، فقط در مقابل جنگ و مخاصمات مسلحانه بکار می‌رفت؛ ولی امروزه وجود یک کودتای کوچک در جزیره‌ای دورافتاده در دریای کارائیب بنام «هاییتی» منجر به این شد که شورای امنیت، بگوید صلح و امنیت بین‌المللی در حال تهدید است. این در حالی است که تا قبل از این، بسیاری از نظامهای موجود در دنیا، نظامهایی بودند که در نتیجه‌ی کودتا بوجود آمده بودند. اما از سال ۱۹۹۰ به بعد گفته شد که حکومتها باید مشروعیت مردمی داشته باشند و الا اگر در اثر کودتا باشند، تهدید صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند. همچنین امروزه، مسأله‌ی نقض حقوق بشردوستانه در درگیریهای داخلی مثل کشور رواندا و یوگسلاوی، نقض صلح تلقی شده است و باعث شده است شورای امنیت در مقابل این وضعیت‌ها موضع‌گیری کند. از این گذشته، نقض حقوق بشر در یک کشور خاص و اقداماتی چون شکنجه، عدم دادرسی عادلانه و... از سوی شورای امنیت نقض صلح و امنیت جهانی تلقی شده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۹۵)

بنابراین، وقتی شورای امنیت برای خود چنین اجازه‌ای قایل شود که تفسیر موسع از صلح انجام دهد، بالطبع برای خود قایل به لوازم اجرای آن نیز خواهد شد. نمونه‌ی بارز آن ایجاد نیروهای حافظ صلح از سوی سازمان ملل متحد است که این نیروها بعنوان ابزاری برای حفظ صلح ایجاد شده‌اند. بنابراین، یکی از طرق گسترش صلاحیت سازمانهای بین‌المللی، تفسیر موسع از سند موسس می‌باشد.

۶-۲- ارکان سازمانهای بین‌المللی

الف) ارکان دایمی

هر سازمان بین‌المللی برای رسیدن به اهداف خود، دارای ارکانی دایمی می‌باشد که ملاک تشخیص آنها، سند موسس سازمان است. ارکان هر سازمانی با سازمان دیگر متفاوت است و این به دلیل اختلاف در اهداف، صلاحیتهای و وظایف هر سازمان نسبت به سازمان دیگر می‌باشد. ارکان سازمانها، همانند شخصیت حقوقی آنها، با توجه به صلاحیتهای، حقوق و تکالیف، اهداف و ساختار هر سازمان با یکدیگر متفاوت است. بطور کلی، ارکان سازمانها را در ۳ بعد اصلی می‌توان مشاهده کرد:

۱- ارکانی که اعضا و نمایندگان حاضر در آن فقط از دولت متبوع خود تبعیت می‌کنند. این ارکان ممکن است ارکان فراگیر سازمان باشند و ممکن است ارکان محدود سازمانهای بین‌المللی باشند. مثلاً در سازمان ملل متحد، مجمع عمومی که رکن فراگیر سازمان است و شورای امنیت یا شورای قیمومت که رکن محدود سازمان می‌باشند، از چنین وضعیتی برخوردارند. یعنی در مجمع عمومی که همه‌ی دولتها حضور دارند، نمایندگان وظایف خود را براساس دستورات دولت متبوع خود انجام می‌دهند. در شورای امنیت هم وضع همین گونه است. همچنین در شورای اقتصادی و اجتماعی که ۵۴ عضو دارد، اعضا، تابع اوامر و دستورات دولت متبوع خود می‌باشند. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۶)

۲- ارکانی که اعضای آنها در اجرای وظایف، تابع اوامر دولت متبوع نیستند، بلکه تابع اوامر سازمان هستند. معمولاً این ارکان، ارکان اداری سازمانهای بین‌المللی هستند. مثلاً دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد با ۸۶۰۰ کارمند که بیش از ۱۰۰ تابعیت در آن حضور دارد، همگی تابع اوامر سازمان هستند نه دولتهای متبوع خود.

۳- ارکانی که اعضای آنها در انجام وظایف خود نه از دولت متبوع تبعیت می‌کنند و نه از سازمان، بلکه کاملاً مستقل از دو رکن، انجام وظیفه می‌کنند، هر چند ممکن است از لحاظ ساختاری و شکل، به سازمان وابسته باشند. نمونه‌ی بسیار بارز آن، «کمیسیون حقوق بین‌الملل» است. این کمیسیون، در سال ۱۹۴۷ با تصویب قطع‌نامه‌ی ۱۷۴ مجمع عمومی ایجاد شد. علت ایجاد این کمیسیون، اجرای وظیفه‌ای بود که براساس ماده‌ی ۱۳ منشور بر عهده‌ی سازمان گذاشته شده بود. لذا در اجرای این وظیفه، سازمان مبادرت به تشکیل کمیسیون حقوق بین‌الملل نمود.

این کمیسیون، ۳۴ عضو دارد که مهمترین وظیفه‌ی آن تهیه‌ی پیش‌نویس کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی است. اعضای کمیسیون در تهیه‌ی پیش‌نویس‌ها نه از سازمان ملل تبعیت می‌کنند و نه از دولتهای متبوع خود. حقوقدانان عضو کمیسیون، صرفاً بعنوان یک متخصص حقوق بین‌الملل انجام وظیفه می‌کنند؛ هر چند ممکن است تحت تاثیر برخی دولتهای عمل کنند. مثلاً ممکن است در تهیه‌ی پیش‌نویس‌ها به طرفداری از کشورهای در حال توسعه یا کشورهای توسعه‌یافته بپردازند، اما این بدان معنا نیست که در انجام وظایف از آنها دستور می‌گیرند. (عماد زاده، ۱۳۹۰: ۳۱)

ب) ارکان فرعی

هر سازمان بین‌المللی حق دارد مبادرت به ایجاد ارکان فرعی متناسب با اهداف و وظایف خود نماید. حق ایجاد ارکان فرعی گاهی بطور صریح در سند موسس ذکر می‌شود و گاهی صراحتاً ذکر نمی‌شود، بلکه با توسل به «تئوری اختیارات ضمنی» این حق را برای سازمانها قایل می‌شویم. مثلاً مواد ۲۲، ۲۹ و ۶۸ منشور ملل متحد، به ترتیب به مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی، اجازه‌ی تشکیل ارکان فرعی داده است. ارکان مزبور نیز با استفاده از این حق، ارکانی فرعی تشکیل داده‌اند. مثلاً مجمع عمومی مبادرت به تشکیل «دادگاه اداری سازمان ملل متحد» و «کنفرانس ملل متحد برای توسعه و تجارت (آنکتاد)» کرده است. شورای امنیت نیز محاکم «یوگسلاوی» و «رواندا» را بعنوان ارکان فرعی تشکیل داده است. شورای اقتصادی و اجتماعی نیز در مناطق مختلف دنیا، کمیسیونهای اقتصادی زیادی تشکیل داده است. تشخیص ارکان فرعی از ارکان اصلی با سند موسس هر سازمان می‌باشد. (موسی زاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

۶-۳- ابزار و منابع مالی (بودجه) سازمانهای بین‌المللی

هر سازمان بین‌المللی، درست همانند هر دولتی برای انجام فعالیتهای خود نیاز به ابزار و امکانات مالی دارد که اصطلاحات به آن «بودجه» می‌گویند. بودجه‌ی سازمانهای بین‌المللی تابع دو دسته قواعد مهم است: ۱- قواعد مذکور در سند موسس، ۲- قواعد و مقررات مالی خود سازمان.

اصول کلی مربوط به بودجه در سند موسس ذکر می‌شود ولی جزئیات آن، در مقررات مالی سازمان ذکر می‌شود. مثلاً مواد ۱۷ و ۱۹ منشور ملل متحد اختصاص به بودجه‌ی سازمان ملل متحد دارد؛ اما اینکه این بودجه در کجا و چگونه مصرف شود، سهم هر دولت چقدر باشد و... در مقررات مالی سازمان ملل متحد پیش‌بینی شده است نه در منشور.

تا دهه‌ی ۱۹۷۰، معمولاً بودجه‌ی سازمانها بطور سالانه تنظیم می‌شد؛ ولی چون سال مالی معمولاً زود تمام می‌شود، سازمانها از اواسط دهه‌ی ۷۰ سعی کرده‌اند بودجه را حداقل دو سالانه و یا بیشتر تدوین کنند. مثلاً سازمان ملل متحد بودجه‌ی خود را دو سالانه تنظیم می‌کند؛ و یا در سازمان جهانی هواشناسی چهارساله است. بطور کلی برای تهیه‌ی بودجه‌ی یک سازمان، رکن

اداری سازمان که معمولاً «دبیرخانه» است، مبادرت به این کار می‌کند. دبیرخانه برای تنظیم بودجه، با ارکان اصلی و فرعی مذاکره می‌کند و پیشنهادات آنها را جویا می‌شود و پس از تعیین هزینه‌های هر رکن اصلی و فرعی، پیش‌نویس بودجه به رکن فراگیر سازمان برای تصویب ارائه می‌شود. (تقی زاده، ۱۳۹۳: ۷۶)

۷- منابع بودجه

بودجه‌ی سازمان‌های بین‌المللی از دو منبع عمده تامین می‌شود.

الف: مشارکت ارادی دولتها

در مشارکت ارادی، هر دولتی راساً تصمیم می‌گیرد که تا چه میزان در بودجه‌ی سازمان شرکت کند. این شیوه، دارای این مزیت است که هر دولتی به میل و اراده‌ی خود مشارکت می‌کند. از طرفی دارای این عیب نیز هست که سازمانها نمی‌توانند در مورد این منابع تصمیم قاطع بگیرند و برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند؛ چرا که میزان و زمان آن معین نیست و همچنین نحوه‌ی پرداخت آنها مشخص نیست. (مشیرزاده، پیشین: ۹۵)

ب: مشارکت الزامی دولتها

مشارکت الزامی، براساس وضعیت اقتصادی دولتها صورت می‌گیرد. میزان مشارکت الزامی دولتها در بودجه‌ی سازمانها، از کمتر از یک درصد شروع می‌شود و ممکن است به چند ده درصد برسد. مثلاً مجمع عمومی سازمان ملل متحد براساس ماده‌ی ۱۷ منشور، سهم دولتها را براساس وضعیت اقتصادی آنها مشخص می‌کند و آنها باید مبلغ تعیین شده را پرداخت کنند. برای اینکه پرداخت سهم تعیین شده، تضمین شود و دولتها مکلف به پرداخت شوند، برای آن ضمانت اجرا در نظر گرفته‌اند. مثلاً ماده‌ی ۱۹ منشور مقرر می‌دارد: چنانچه دولتی دو سال یا به میزان دو سال از پرداخت حق عضویت خودداری کند، از حق رای در مجمع عمومی محروم خواهد شد. البته نحوه‌ی برخورد با دولتهای متخلف متفاوت است. مثلاً کشور «بورکینافاسو» مدت چند سال به دلیل عدم قدرت پرداخت حق عضویت، از حق رای محروم بود، در حالی که دولت ایالات متحده با اینکه حدود یک میلیارد دلار به سازمان بدهی دارد، با چنین مشکلی روبرو نشده است. عدم پرداخت حق عضویت از سوی برخی دولتها، بخصوص دولتهای بزرگ، باعث شده سازمان با مشکلات زیادی بویژه به دلیل دو بحران در مورد کانال سوئز و قضیه‌ی کنگو، مواجه شود.

پس از اینکه این دو قضیه به نحوی که در پاورقی توضیح داده شده است توسط نیروهای حافظ صلح خاتمه یافت، دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که سازمان برای فیصله‌ی این درگیریها، ۲۵۰ میلیون دلار هزینه کرده است که دولتها باید پرداخت کنند. دولتهایی مثل فرانسه و شوروی معتقد بودند که این هزینه‌ها متعلق به ملل متحد نیست و باید طرفین درگیر خود این هزینه‌ها را پرداخت کنند. بدنبال این تضاد آراء، مجمع عمومی از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای نظر مشورتی کرد. دیوان در سال ۱۹۶۲ در نظر مشورتی خود تحت عنوان «برخی هزینه‌های سازمان ملل متحد» اعلام کرد که این هزینه‌ها جزو هزینه‌های ملل متحد بوده و دولتها باید پرداخت کنند. (رزومی، ۱۳۹۶: ۱۰۳)

بحران دیگری که امروزه سازمان ملل متحد را گریبان‌گیر شده است، به دلیل عدم پرداخت حق عضویت از سوی برخی دولتهای بزرگ من جمله آمریکا می‌باشد. این دولتها بر این عقیده‌اند که منابع مالی سازمان ملل متحد، بعلت مدیریت غلط خود، هزینه‌های زیادی را به دولتها تحمیل می‌کند، در حالیکه خیلی از این هزینه‌ها ضروری نیست.

لازم به ذکر است که از کل بودجه‌ی سازمان ملل متحد، تعداد ۶ کشور، حدود ۶۷ درصد بودجه‌ی سازمان را پرداخت می‌کنند. تعداد ۹۷ کشور نیز روی هم رفته حدود ۰/۹۸ درصد (یعنی کمتر از ۱ درصد) پرداخت می‌کنند. در یک چنین وضعیتی اصلاً

قابل تصور نیست که کشوری که ۲۵ درصد بودجه را تامین می‌کند، با کشوری که ۰/۰۱ درصد را پرداخت می‌کند، رفتاری دموکراتیک داشته باشد و عنان تصمیمات را در اختیار او بگذارد.

یکی از دلایلی که باعث شده امروزه، آلمان و ژاپن ادعای عضویت دائم در شورای امنیت بکنند، همین بودجه‌ی نسبتاً زیادی است که به سازمان پرداخت می‌کنند. بنابراین می‌بینیم که عضویت در شورای امنیت بیش از هر چیز به توان اقتصادی دولتها بستگی دارد و سپس توان نظامی. (فلسفی، ۱۳۷۹: ۴۵)

۸- انواع مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی

مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی مصونیت دیپلماتیک است. مانند مصونیت قضایی، مصونیت اموال و اماکن. مصونیت از تعرض. مصونیت اسناد و مدارک.

۸-۱- مصونیت قضایی

یعنی اینکه نمایندگان سازمانهای بین‌المللی از قدرت اجرایی دولت میزبان مصون بوده اما این به معنای مصون بودن از قوانین کشور خود نیست. (لاریجانی، ۱۳۸۹: ۸۷)

۸-۲- مصونیت اموال و اماکن

یعنی اینکه اموال و اماکن سازمانهای بین‌المللی مصون از ورود میباشند، هیچکس حق اجازه ورود به این اماکن را ندارد. مگر با اجازه نماینده سازمان، همچنین اموال آنها در صورت داشتن علائم سازمان از تفتیش و بازرسی مصون میباشند.

۸-۳- مصونیت بایگانی و اسناد

کلیه دفاتر، نوشته‌ها و مکاتبات مربوط به سازمان بین‌المللی از بازرسی مصونیت داشته، و غیر قابل کنترل می‌باشند. در صورتی که هیات دیپلماتیک بخواهد در کشور پذیرنده فرستنده رادیویی نصب کند. اجازه کشور پذیرنده لازم است.

۸-۴- مصونیت تعرض

امکان توقیف و بازداشت هیاتهای دیپلماتیک و نمایندگان سازمانهای بین‌المللی وجود ندارد. همچنین در رفتارها آنها با احترام عمل شود. (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۷۶)

۹- انواع سازمانهای بین‌المللی

سازمان تجارت جهانی (WTO)

یک سازمان بین‌المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل و فصل می‌کند. اعضای سازمان تجارت جهانی کشورهایی هستند که موافقت‌نامه‌های (حدود ۳۰ موافقت‌نامه) این سازمان را امضا کرده‌اند. مقر سازمان تجارت جهانی در ژنو، سوئیس قرار دارد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۷۷)

ایکائو

ایکائو یا سازمان بین‌المللی هوانوردی کشوری^۱ به صورت مخفف (ICAO) یک نهاد تخصصی در سازمان ملل متحد است که در ۷ دسامبر سال ۱۹۴۴ پس از تصویب و امضای پیمان حمل و نقل هوایی موسوم به پیمان شیکاگو تشکیل شد اما موجودیت آن به طور رسمی در سال ۱۹۴۷ اتفاق افتاد. وظیفه این سازمان، هماهنگ سازی استانداردهای بین‌المللی پروازی و مدیریت خطوط هوایی در سطح جهان است و با اهداف سلامت و ایمنی پرواز- امنیت پرواز- حفاظت از محیط زیست- ارتقا کارایی

^۱- International Civil Aviation Organization

عملیات هواپیمایی کشوری- استمرار عملیات هواپیمایی کشوری- قانون و مقررات و تحکیم حاکمیت قانون بر هواپیمایی کشوری بوجود آمد.

آنسیترال

جهت دریافت مشاوره حقوقی و دریافت بهترین راه حل از برترین وکلای ایران با هزینه مقرون به صرفه به وکیل تیک مراجعه فرمایید. کمیسیون حقوق تجارت بین الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) در ۱۷ دسامبر ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد جهت بهبود و توسعه ساختارهای حقوقی تجارت بین الملل تأسیس شد. این کمیسیون نقش مهمی در پیشرفت و توسعه نظام حقوقی و قانونی، متعاقب اصلاح آن برای تکمیل پیشرفت های هماهنگ سازی حقوق تجارت بین الملل داشته است. به وسیله ترویج استعمال ابزار قانون گذاری یا غیر قانون گذاری در بسیاری از حوزه های کلیدی حقوق تجارت بین الملل از جمله روش های حل و فصل اختلاف، رویه های قرارداد های بین المللی، حمل و نقل، اعسار، تجارت الکترونیک، مالیه بین الملل، حمل و نقل های ایمن و تهیه و فروش کالاها نقش مهمی ایفا کرده است. بسیاری از کشورهای عضو و غیر عضو آنسیترال و سازمان های دولتی و غیر دولتی مدعو از ابزارهای ارائه شده توسط آنسیترال در حوزه های نام برده شده در یک روند بین المللی استفاده می کنند. متون ارائه شده توسط آنسیترال به عنوان سازوکارهای توصیه ای برای همه کشورها و در هر سطحی از پیشرفت اقتصادی تدوین شده است. آنسیترال از زمان تاسیس تا کنون به عنوان یک نهاد مرکزی حقوقی سازمان ملل متحد در حوزه تجارت بین الملل ایفای نقش کرده است. قواعد داوری آنسیترال جهت حل و فصل اختلافات در معاملات تجاری به کار می رود (ضیائی بیگدلی، پیشین: ۸۹).

آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA)

آژانس بین المللی انرژی اتمی یک سازمان بین المللی است که در سال ۱۹۵۷ برای ترویج استفاده صلح آمیز و جلوگیری از استفاده نظامی از انرژی هسته ای تأسیس شد. این آژانس به عنوان یک نهاد مستقل و خودمختار تأسیس شده و جزئی از سازمان ملل یا سازمان دیگری نیست با این حال در اساسنامه خود اعلام کرده که گزارش های خود را به مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد به طور مرتب ارائه می دهد. مقر این سازمان در شهر وین اتریش است و تاکنون ۱۶۴ کشور به عضویت این سازمان درآمده اند.

آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر IRENA

آژانس بین المللی انرژی های تجدیدپذیر (ایرنا) در سال ۲۰۰۹ برای ترویج استفاده و افزایش استفاده پایدار از همه اشکال انرژی تجدیدپذیر تأسیس شد. آسان کردن دسترسی به تمام اطلاعات مربوط به انرژی های تجدیدپذیر، از جمله اطلاعات فنی از دیگر وظایف ایرنا می باشد. اساسنامه این آژانس در تاریخ ۸ ژوئیه ۲۰۱۰ به تصویب رسید. ایران نیز در تاریخ ۲۹/۰۱/۱۳۹۱ این قانون را تصویب کرده است. (مولانا، ۱۳۸۷: ۶۷)

سازمان جهانی اسلامی برای آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ (ICESCO)

سازمان جهانی اسلامی برای آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ سازمانی تخصصی است که تحت حمایت سازمان همکاری اسلامی (OIC) فعالیت می کند و در زمینه های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات در کشورهای اسلامی و به منظور حمایت و تقویت روابط بین کشورهای عضو به فعالیت مشغول است. اهداف این سازمان به شرح زیر است:

الف) تقویت، ارتقاء و تحکیم همکاری بین کشورهای عضو در زمینه های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات و نیز، توسعه و ارتقاء این زمینه ها در چارچوب نگاه تمدنی جهان اسلام و در پرتو ارزش های انسانی و اسلامی؛

ب) تحکیم تفاهم بین مردم در داخل هر کشور و بین آنها با دیگر کشورها و مشارکت برای نیل به صلح و امنیت جهانی از طرق مختلف، به ویژه از طریق آموزش، علم، فرهنگ و ارتباطات.

ج) رایۀ تصویر صحیح از اسلام و فرهنگ اسلامی، تقویت گفتگو بین تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مذاهب، و تلاش برای گسترش ارزش‌های عدالت و صلح همراه اصول آزادی و حقوق بشر و مطابق با چشم‌انداز تمدن اسلامی.

د) تشویق به تعاملات فرهنگی و حمایت از تنوع فرهنگی در کشورهای عضو، در عین حفظ هویت فرهنگی و حمایت از استقلال اندیشه.

ه) تحکیم همکاری‌ها و هم‌افزایی بین مؤسسات تخصصی سازمان همکاری‌های اسلامی در زمینه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات و در بین کشورهای عضو آیسسکو و تقویت همکاری و مشارکت با مؤسسات دولتی و غیر دولتی مشابه که دارای علائق مشترک هستند، در داخل و خارج کشورهای عضو.

ج) توجه بیشتر به فرهنگ اسلامی و برجسته‌سازی مشخصه‌های آن و آگاه‌سازی نسبت به نقاط درخشان آن در مطالعات روشنفکرانه، تحقیقات علمی و برنامه‌های درسی آموزشی

ز) تلاش برای برقراری همکاری و هم‌افزایی بین سیستم‌های آموزشی کشورهای عضو.

ح) حمایت از تلاش نهادهای آموزشی، علمی و فرهنگی برای مسلمانان در کشورهای غیر عضو (احتشامی، ۱۳۷۹: ۹۸)

اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)

اتاق بازرگانی بین‌المللی سازمان بین‌المللی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و تخصصی است که هدف آن کمک به توسعه اقتصادی در سطح جهان، گشایش بازارهای جهان به روی کالاها و خدمات و جریان آزاد سرمایه است. صدها هزار شرکت خصوصی در حدود ۱۳۰ کشور جهان عضو این نهاد هستند و کمیته‌های ملی این اتاق در ۸۶ کشور دنیا تشکیل شده‌اند. این سازمان در سال ۱۹۱۹ در پاریس افتتاح شد. اتاق بازرگانی بین‌المللی، مهمترین شریک تجاری سازمان ملل متحد و آژانس‌های وابسته به آن است. ICC از طریق تشکیل کمیته‌های ملی، فعالیت خود را در بیش از ۹۰ کشور جهان گسترش داده است که در کشورما، کمیته ایرانی ICC عهده‌دار این مسئولیت می‌باشد که در سال ۱۳۴۲ تاسیس شد. (سلیمانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

کمیته ایرانی ICC

کمیته ایرانی ICC در راستای توسعه اقتصادی، گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور در زمینه‌های زیر فعالیت می‌کند:

- تسهیل مبادلات و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بین‌المللی بر اساس اصول اقتصاد بازار و از طریق تدوین مقررات و عرف‌های تجاری، ارائه سیاست‌ها و راه‌حل‌های بازرگانی و کمک به حل اختلافات از طریق داوری و سایر روش‌های حل اختلاف.
- ایجاد هماهنگی در روابط اقتصادی بین‌المللی در کلیه بخش‌های اقتصادی از جمله صنعت، معدن، تجارت، خدمات و سرمایه‌گذاری.

- مشارکت با کمیته‌های ملی کشورهای عضو ICC برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی و دستیابی به صلح و برقراری روابط منصفانه بر پایه احترام و منافع متقابل بین طرفین معامله از طریق توسعه و تقویت همکاری در کسب و کار و جلب مشارکت سازمان‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌نمایند.

- حضور مستمر و مؤثر در جلسات شورای جهانی (Council) و مدیران دائمی (Permanent Heads در ICC) به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های ICC با کمیته‌های ملی کشورهای عضو و برقراری روابط متقابل با آنان، به خصوص کمیته‌های

ملی واقع در محدوده جغرافیایی مرتبط. (برزگر، ۱۳۸۹: ۸۷)

- ایجاد تسهیلات جهت حضور مؤثر اعضا در کلیه فعالیت‌های ICC در نقاط مختلف جهان به خصوص کمیسیون‌های تخصصی آن برای انتقال دیدگاه‌های جامعه کسب و کار ایرانی و انتقال اطلاعات و تجربیات ICC و نیز کمیته‌های ملی سایر کشورها به کمیته ایرانی ICC و اعضای آن.

- تلاش مستمر برای تبادل اطلاعات بین دبیرخانه کمیته ایرانی ICC با دبیرخانه مرکزی ICC در پاریس، بین کمیته ایرانی ICC و کمیته‌های ملی کشورهای مورد توجه و هدف جامعه کسب و کار ایران به خصوص کمیته‌های ملی در مناطق جغرافیایی مرتبط و همچنین بین دبیرخانه کمیته ایرانی ICC و اعضای آن جهت کمک به توسعه و ترویج فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی کشور.

- ترجمه و انتشار کتب ICC و کتب و اسناد مرتبط و ترویج آنان.

- تشریح، آموزش و ترویج بکارگیری مقررات ICC و فرم‌های قراردادی مورد تأیید ICC در مبادلات بین‌المللی کشور و نیز ترویج داوری و سایر روش‌های حل اختلافات و دعاوی تجاری.

- تعریف پروژه‌های مشترک آموزشی، کاربردی و تحقیقاتی با کمیته‌های ملی کشورهای عضو به خصوص کمیته‌های ملی واقع در محدوده جغرافیایی مرتبط.

- هماهنگی و همکاری و تبادل نظر با اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی نهادی وابسته به این سازمان است که برای کمک به حل و فصل اختلافات بازرگانی بین‌المللی از طریق داوری ایجاد شده است. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۷)

اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت (IUCN)

اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت که بیشتر با نام اختصاری آی‌یوسی‌ان شناخته می‌شود، سازمانی بین‌المللی با هدف حفاظت از منابع طبیعی در سراسر کره زمین است. که شامل جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل، بررسی، پروژه‌های درست، حمایت، لابی و آموزش و پرورش است. مأموریت آی‌یوسی‌ان تأثیرگذاری، تشویق و کمک به جوامع سراسر جهان برای حفظ طبیعت و حصول اطمینان به این که هر گونه استفاده از منابع طبیعی و محیط زیست یک بهره‌گیری عادلانه و پایدار است. (جمالی، ۱۳۸۵: ۴۴)

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان IUS

انجمنی جهانی متشکل از اتحادیه‌های ملی دانشجویی در سراسر جهان است. اتحادیه بین‌المللی دانشجویان با هدف دفاع از حقوق و منافع دانشجویان برای ترقی پیشرفت در رفاه و سطح تحصیلات و آماده کردن آنها برای وظایفشان به عنوان شهروندان دموکرات است. طبق اطلاعات فهرست سازمان‌های غیردولتی یونسکو، اولویت‌های فعالیت اتحادیه تبادل اطلاعات، دفاع از وضعیت دانشجویان، صلح، محیط زیست، توسعه، حقوق بشر می باشد. اتحادیه بین‌المللی دانشجویان، در ایران نیز دارای وب سایت می‌باشد.

اتحادیه بین‌المللی مخابرات یا آی تی یو (ITU)

در سال ۱۸۶۵ پس از اختراع تلگراف حدود بیست کشور اروپایی نهادی را تحت عنوان اتحادیه بین‌المللی تلگراف تأسیس نمودند که نخستین مقررات بین‌المللی ارتباطات راه دور (مخابرات) در آن به تصویب رسید. این اتحادیه پس از کنفرانسی جهانی در مادرید اسپانیا به اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور (مخابرات) یا همان ITU تغییر نام داد. پس از تأسیس سازمان

ملل متحد، در سال ۱۹۴۵، آی‌تی‌یو به نهادی وابسته به این سازمان تبدیل شد. اتحادیه بین‌المللی مخابرات یک سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد است. این اتحادیه دومین اتحادیه قدیمی پس از کمیسیون راین است. این اتحادیه وظیفه قانون‌گذاری و نیز مدیریت فضای فرکانسی، تدوین استانداردهای تبادل داده و اطلاعات و همچنین کمک به رشد و توسعه ارتباطات در سراسر جهان را بر عهده دارد. مقر این سازمان در ژنو سوئیس است. (بیگ زاده، ۱۳۸۲: ۹۸)

اتحادیه جهانی پست (UPU)

نخستین انجمن در جهت همکاری بین کارکنان بخش پست و از مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد است. اتحادیه جهانی پست با تصویب معاهده برن در سال ۱۸۷۴ تأسیس شد. اتحادیه جهانی پست از نظر قدمت و سابقه دومین سازمان بین‌المللی جهانی محسوب می‌شود. هدف این اتحادیه کمک به سازماندهی و بهبود بخشیدن خدمات پستی در سطح بین‌المللی است. در حال حاضر ۱۹۲ کشور عضو این سازمان هستند. اهداف این اتحادیه شامل: سازمان‌دهی و کامل نمودن خدمات پستی؛ ارتقا و توسعه همکاری‌های بین‌المللی؛ ارائه کمک‌های فنی و نظرهای مشورتی به کشورهای نیازمند عضو اتحادیه؛ ایفا کردن نقش رابط و میانجی‌گر بین اعضا؛ تنظیم و تصویب قوانین برای تبادلات پستی بین‌المللی؛ ارائه توصیه‌هایی در جهت برانگیختن سطح رشد در مراسلات و امانات پستی و بهبود کیفیت این خدمات برای مشتریان. (صدر، ۱۳۷۶: ۸۸)

اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا (SAARC)

اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب آسیا یک سازمان سیاسی و اقتصادی متشکل از هشت کشور در جنوب آسیا است. مجموع جمعیت کشورهای عضو آن تقریباً ۱٫۵ میلیارد نفر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد که از نظر جمعیت، حوزه تأثیر آن از هر سازمان منطقه‌ای دیگر بیشتر است.

این سازمان در ۸ دسامبر ۱۹۸۵ توسط هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، نپال، مالدیو و بوتان تأسیس شد. در آوریل ۲۰۰۷، در خلال چهاردهمین نشست اتحادیه، افغانستان هشتمین عضو آن شد. کشورهای ایران و چین نیز که از اعضای ناظر این سازمان هستند، درخواست عضویت در این سازمان را دارند. هدف از تشکیل این اتحادیه، افزایش همکاری‌های متقابل، میان کشورهای عضو می‌باشد. دبیرخانه دائمی سارک، در کاتماندو پایتخت کشور نپال واقع است. (صدری، ۱۳۹۱: ۲۷)

اتحادیه کشورهای دریای مدیترانه (UFM)

اتحادیه کشورهای دریای مدیترانه همکاری‌های چندجانبه ۴۳ کشور شامل ۲۷ کشور از اتحادیه اروپا و ۱۶ کشور از آفریقای شمالی، خاورمیانه و بالکان هستند.

اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع

اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع یا اتحادیه کشورهای همسایه مجموعه‌ای از ۵۳ کشور مستقل است که همه آن‌ها به جز موزامبیک و کامرون قبلاً مستعمره امپراتوری بریتانیا بوده‌اند. چهارچوب همکاری کشورهای این ارگان بر اساس اعلامیه سنگاپور مصوب سال ۱۹۷۱ حول توسعه ارزشهای مشترک مانند حقوق بشر، حکومت قانون، آزادی‌های فردی، برابری، دموکراسی، تجارت آزاد، صلح جهانی و همکاری‌های چند جانبه است. (تقی زاده، ۱۳۹۳: ۱۶)

اجلاس ۲۰۰۹ گروه ۲۰ لندن

اجلاس ۲۰۰۹ گروه ۲۰ لندن اجلاس سران گروه بیست در مورد اقتصاد جهانی و بازارهای مالی بود که در آوریل ۲۰۰۹ ر اکس سل لندن شهر لندن برگزار شد. این اجلاس در پی اجلاس سران گروه بیست در واشنگتن انجام شد. همزمانی این اجلاس

با بحران اقتصادی جهان باعث اهمیت زیاد این اجلاس شده بود. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و سال پس از آن، پس از بحران دهه ۱۹۳۰ بدترین بحران اقتصادی و مالی جهان به حساب می‌آید.

سازمان بین‌المللی اوزان و مقیاس‌ها

سازمان بین‌المللی اوزان و مقیاس‌ها در ۲۰ می سال ۱۸۷۵ به وسیله هفده کشور تاسیس شد. وظیفه BIPM عبارت است از تضمین هماهنگ سازی اندازه گیری‌ها در سطح جهانی. کار این سازمان عبارت است از: ۱- ایجاد و ساخت استاندارد (ها) اتالون (ها) و مقیاس‌های بنیادی برای اندازه‌گیری کمیت‌های فیزیکی پایه و نگه‌داری نمونه‌های بین‌المللی ۲- انجام مقایسه‌های استاندارد‌های ملی و بین‌المللی (اتالون‌ها) ۳- تضمین هماهنگ‌سازی روش‌های اندازه‌گیری متناظر ۴- انجام و هماهنگ‌سازی اندازه‌گیری‌های ثابت‌های فیزیکی بنیادی مربوط به این فعالیت‌ها فعالیت‌های سازمان BIPM در آغاز به اندازه‌گیری‌های طول و جرم و مطالعات اندازه‌شناختی مرتبط با این کمیت‌ها محدود می‌شد ولی اکنون این فعالیت‌ها بیش‌تر شده‌اند.

اوپک (OPEC)

سازمان کشورهای صادرکننده نفت یک کارتل بین‌المللی نفتی است که با گردهمایی کشورهای الجزایر، ایران، عراق، کویت، لیبی، جزایر سلیمان، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا و کنگو پدید آمده است. ستاد بین‌المللی اوپک در آغاز بنیان‌گذاری در سال ۱۳۳۹ در ژنو سوئیس بود و در سال ۱۳۴۴ به شهر وین اتریش جابجا شد. هدف اصلی سازمان ایجاد هماهنگی و وحدت در خط‌مشی‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین بهترین شیوه‌ها برای تامین منافع فردی و جمعی آنان خواهد بود. همچنین، سازمان، روش‌ها و وسائل تضمین تثبیت قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی نفت را با امعان به حذف نوسانات مضر و غیر ضروری ایجاد خواهد نمود. دیگر هدف سازمان اوپک، تامین مصالح ملت‌های تولیدکننده و ضرورت تضمین درآمدهای ثابت برای کشورهای تولیدکننده، عرضه کافی اقتصادی و منظم نفت به ملت‌های مصرف‌کننده و یک بازده منصفانه به سرمایه‌آنها که در صنعت نفت سرمایه‌گذاری می‌کنند، است. (جمالی، ۱۳۸۳: ۲۲)

شورای بین‌المللی ابنیه و محوطه‌ها (ICOMOS)

شورای بین‌المللی ابنیه و محوطه‌ها سازمانی برای نگهداری و پاسداری از اماکن میراث فرهنگی در سراسر جهان است. در پی‌آمد منشور ونیز در سال ۱۹۶۴، ایکوموس در سال ۱۹۶۵ در ورشو پایه‌گذاری شد تا مشاوری جهت یونسکو در رابطه با میراث‌های جهانی باشد. ایده تشکیل ایکوموس به کنفرانس آتن در رابطه با مرمت بناهای تاریخی در سال ۱۹۳۱ که از سوی دفتر بین‌المللی موزه‌ها تشکیل شده بود، بازمی‌گردد. منشور آتن سال ۱۹۳۱ خط‌مشی میراث بین‌المللی را عرضه نمود. در سال ۱۹۶۴، در دومین همایش معماران و متخصصین بناهای تاریخی، در شهر ونیز ۱۳ قطعنامه به تصویب رسید. اولین قطعنامه تکوین‌کننده منشور بین‌المللی حفاظت و مرمت بناها و محوطه‌های تاریخی که با عنوان منشور ونیز بهتر شناخته شده است شد. قطعنامه دومی که از سوی یونسکو پیش‌کشیده شد، ایکوموس را برای اجرای این منشور بنا نهاد. ایکوموس در حال حاضر دارای بیش از ۷۵۰۰ عضو است. جز موارد اندک، هر عضو آن باید در زمینه نگهداری کارشناس در یکی از رشته‌های معماری، مناظر طبیعی، معماری، باستان‌شناسی، برنامه‌ریزی شهری، مهندسی، متولی میراث فرهنگی، مورخ هنر یا بایگان باشد. مقر بین‌المللی آن در پاریس است. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۰)

جایکا

جایکا نام یک سازمان دولتی مستقل بین‌المللی در ژاپن است که در زمینه توسعه به دولت ژاپن و همچنین کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. جایکا سعی دارد که از طریق روشهای توسعه مشمول به مبارزه با مشکلات بپردازد. منظور از روش توسعه مشمول این است که در آن افرادی که با مشکلات مواجه هستند تشویق به درک مسئله می‌شوند و ضمن لذت بردن از این فعالیت، در برطرف کردن مشکلات مشارکت می‌کنند. نقش اصلی جایکا پشتیبانی از این شیوه توسعه پویا می‌باشد. منظور از توسعه پویا، ایجاد روحیه خودسازی به صورت میان مدت یا طولانی مدت در کشورهای در حال توسعه به منظور کاهش فقر و توسعه اقتصادی می‌باشد. ساماندهی امور جهانی، مبارزه با فقر از طریق توسعه، بهبود کنترل و تامین امنیت انسان ها را می‌توان از موارد توسعه پویا قرار داد. جایکا به منظور تأمین اهداف خود استراتژیهای مختلفی را پیش می‌گیرد از جمله کمک های مجتمع: این قبیل کمکهای جایکا شامل سه نوع می‌شود: همکاری فنی، وامهای توسعه و کمکهای مالی دولتی. کمکهای نامحسوس: این نوع کمکها شامل هر چیزی از جلوگیری از درگیریهای نظامی تا بلایای طبیعی می‌شود. بهبود ارتباطات توسعه‌ای: جایکا با تمرکز بر روی فعالیتهای و نتایج آنها در کشورهای در حال توسعه به آنها کمک می‌کند تا توانایی حل مشکلاتشان افزایش پیدا کند. (محکی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

جنبش غیرمتعهدها

جنبش غیرمتعهدها یا عدم تعهد یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس شد و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی (آمریکا یا شوروی) وابستگی و تعهدی نداشتند یعنی نه در اردوگاه کمونیسم قرار داشته و نه به اردوگاه سرمایه‌داری تعلق داشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده و در سال ۲۰۱۲ در مجموع ۱۲۰ دولت عضو و ۱۷ عضو ناظر داشته است. ایده تشکیل چنین گروهی تا حد زیادی به ابتکار یوسپ بروز تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی، قوام نکرومه نخستین رئیس‌جمهور غنا، جمال عبدالناصر دومین رئیس‌جمهور مصر، جواهر لعل نهرو اولین نخست‌وزیر هند احمد سوکارنو نخستین رئیس‌جمهور اندونزی و سردار محمد داود صدراعظم افغانستان شکل گرفته بود. کیشنا منون دیپلمات هندی نیز نخستین شخصی بود که در سال ۱۹۵۴ در یکی از نشست‌های ملل متحد این اصطلاح را در اشاره به این نظریه به کار برد. (عامری، ۱۳۹۰: ۹۸)

سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE)

سازمان امنیت و همکاری اروپا بزرگترین سازمان بین دولتی یا بین‌المللی حول مسائل امنیتی است. فعالیت‌های آن شامل کنترل اسلحه، حقوق بشر، آزادی مطبوعات و انتخابات آزاد و منصفانه است. شکل‌گیری سازمان امنیت و همکاری اروپا با برگزاری کنفرانسی در سال ۱۹۷۳ تحت عنوان «امنیت و همکاری در اروپا»، برای بحث میان شرق و غرب آغاز شد. این کنفرانس در اول اوت سال ۱۹۷۵ در کنفرانس خلع سلاح هلسینکی پایتخت فنلاند با شرکت نمایندگان ۳۵ کشور عضو تشکیل شد. (تقی زاده، ۱۳۹۳: ۹۲)

سازمان جهانی بهداشت (WHO)

سازمان جهانی بهداشت یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است که نقش یک مرجعیت سازمان دهنده را بر بهداشت جامعه جهانی ایفا می‌کند. این آژانس در ۶ آوریل سال ۱۹۴۸ در ژنو واقع در سوییس تأسیس شد و حکم سرپرستی و منابعش را از سازمان بهداشت سابق، که خود آژانسی در جامعه ملل بود برگرفت.

سازمان بین‌المللی تولیدکنندگان وسایل نقلیه موتوری

سازمان بین‌المللی تولیدکنندگان وسایل نقلیه موتوری در سال ۱۹۱۹ در پاریس بنیان نهاده شد. وظیفه این شرکت هماهنگ کردن ارتباطات میان شرکت‌ها و همچنین برپایی نمایشگاه‌های خودرو در سطح جهان است.

سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)

سازمان بین‌المللی دریانوردی در ۶ مارس ۱۹۴۸ در کنفرانسی که در ژنو برگزار شده بود به تصویب رسید. این سازمان ۱۰ سال بعد اجرایی گردید و از سال ۱۹۵۸ شروع به کار در جامعه بین‌المللی نمود. سازمان مذکور سابقاً سازمان مشورتی دریایی بین‌الدول خوانده می‌شد اما از سال ۱۹۸۲ به سازمان بین‌المللی دریانوردی تغییر نام داد. هدف سازمان بین‌المللی دریانوردی، تسهیل همکاری و مبادله اطلاعات میان کشورهای عضو در زمینه موضوعات فنی مربوط به کشتی‌رانی و به وجود آوردن عالی‌ترین معیارهای ایمنی دریایی است.

سازمان بین‌المللی کار

سازمان بین‌المللی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و در نتیجه بحث‌های کنفرانس صلح پاریس تأسیس شد. سازمان بین‌المللی کار در آغاز وابسته به جامعه ملل بود و پس از تأسیس سازمان ملل متحد از سازمان‌های وابسته به آن شد. منشور فعلی سازمان که به بیانیه فیلادلفیا معروف است در سال ۱۹۴۴ تصویب شد. مقر این سازمان در شهر ژنو در کشور سوئیس است. این سازمان هر سال در ماه خرداد کنفرانسی برگزار می‌شود. (زاهدطلبان، ۱۳۸۵: ۷۱)

سازمان جهانی هواشناسی (WMO)

یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۵۰ ایجاد گردید هر چند سند تأسیس آن در ۱۹۴۷ امضا شده بود. این سازمان در واقع جانشین «سازمان هواشناسی بین‌المللی» که در سال ۱۸۷۳ ایجاد شده بود، گردید. این سازمان در ۱۹۵۱ در رده سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد در زمینه آب و هوا، هیدرولوژی اقلیم‌شناسی کاربردی و علوم ژئوفیزیک درآمد. تعداد اعضای این سازمان تا ۱۲ دی ۱۳۹۱ (اول ژانویه ۲۰۱۳) ۱۹۱ دولت عضو و سرزمین تحت قلمرو است و مقر آن در ژنو، سوئیس قرار دارد. ۱. تسهیل همکاری جهانی برای ایجاد شبکه‌ای از ایستگاه‌ها جهت مشاهده هواشناسی، آب‌شناسی، زمین‌فیزیک و سایر موارد مرتبط با هواشناسی

۲. ایجاد و حفظ سیستم‌های مبادله سریع اطلاعات هواشناسی و سایر اطلاعات مرتبط

۳. تشویق به منظم کردن مشاهدات هواشناسی و اطمینان از انتشار یکسان و واحد مشاهدات و آمارها

۴. استفاده بیش‌تر از هواشناسی در امر هوانوردی، دریانوردی، مسائل آبی، کشاورزی و سایر فعالیت‌های بشری

۵. ترویج فعالیت‌هایی نظیر آب‌شناسی کاربردی و ایجاد امکانات برای همکاری نزدیک میان بخش‌های هواشناسی و هیدرولوژیکی

۶. تشویق به تحقیقات و آموزش در قلمرو هواشناسی و سایر قلمروهای مرتبط

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)

سازمانی است بین‌المللی است که دارای ۳۷ عضو می‌باشد و اعضای آن متعهد به اصول دموکراسی و اقتصاد آزاد هستند. این سازمان به تعبیری عمده‌ترین سازمان بین‌المللی تصمیم‌گیرنده اقتصادی است. مقر اصلی این سازمان در شهر پاریس است. این سازمان در سال ۱۹۴۸ میلادی تحت عنوان سازمان همکاری اقتصادی اروپا تأسیس شد. این مؤسسه تحت مدیریت رابرت

مارژولین فرانسوی به منظور اجرای طرح بازسازی کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد؛ طرحی که تحت عنوان برنامه مارشال توسط ایالات متحده آمریکا برای بازسازی اروپا پس از جنگ و مبارزه با کمونیسم برنامه‌ریزی شده بود. در سال‌های بعد، اعضای غیراروپایی نیز به این سازمان پیوستند و در سال ۱۹۶۱ میلادی در اجلاسی با تصویب آیین‌نامه جدید در زمینه توسعه و اقتصاد، نام سازمان را نیز به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تغییر دادند. (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۸۹)

سازمان همکاری شانگهای

سازمانی میان‌دولتی است که برای همکاری‌های چندجانبه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تشکیل شده‌است. این سازمان در سال ۱۹۹۶ توسط رهبران چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه، پایه‌گذاری شد. اندکی بعد، ازبکستان هم به این سازمان پیوست و این سازمان رسماً به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر نام داد. نقش اصلی و تعیین‌کننده را در سازمان شانگهای دو کشور چین و روسیه تشکیل می‌دهند. علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، هند و افغانستان در سال ۲۰۰۵ و پس از آن بلاروس به عنوان عضو ناظر به سازمان ملحق شدند. (ولی پور، ۱۳۷۷: ۶۱)

سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه

این سازمان یک گروه اقتصادی از کشورهای حاشیه اقیانوس آرام هستند که به منظور بهبود مناسبات اقتصادی و سیاسی با یکدیگر دیدار می‌نمایند. این گروه دارای کمیته‌های اجرائی در زمینه‌های گسترده‌ای از مسائل، از ارتباطات تا شیلات است. سران کشورهای تمام اعضای اپک (به استثنای چین تایپه)، طی یک همایش سالانه تحت عنوان «اجلاس سران اقتصادی اپک» با یکدیگر ملاقات می‌کنند که مکان برگزاری آن در میان اعضای اقتصادی اپک در حال گردش است. اپک به خاطر این سنت (آداب) خود مشهور است که رهبران حاضر در آن مطابق با رسوم ملی کشور میزبان خود لباس می‌پوشند. (ثقفی عامری، ۱۳۸۶: ۷۰)

شورای همکاری خلیج فارس (GCC)

شورای همکاری خلیج فارس بلوک سیاسی-تجاری‌ای شامل کشورهای پیرامون خلیج فارس و کشورهای عرب منطقه است که اعضای آن اهداف تجاری و اجتماعی مشترکی را پیگیری می‌کنند. شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ مه ۱۹۸۱ میلادی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی تشکیل شد که از جمله اهداف کشورهای عضو، رسیدن به واحد پولی مشترک تا سال ۲۰۱۰ بود. در حال حاضر شش کشور زیر عضو این شورای همکاری هستند: عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، قطر، عمان و کویت.

سازمان عفو بین‌الملل

سازمانی غیردولتی می‌باشد که با داشتن بیش از ۷ میلیون عضو در زمینه حمایت از حقوق بشر فعالیت می‌کند. هدف‌گذاری این بنیاد غیردولتی اینست که بتواند با پژوهش و فعالیت در زمینه حقوق بشر از پایمال شدن حقوق انسان‌ها در سطح دنیا جلوگیری کرده و در نهایت خواستار برقراری عدالت در مورد افرادی که حقوق ایشان به هر نحوی پایمال گردیده می‌باشد. این ارگان سعی دارد تا با متوجه کردن افراد به مسائل حقوق بشر و استانداردهای جهانی تا حد ممکن فشار را بر دولت‌هایی که اجازه سوءاستفاده در کشور خود را می‌دهند افزایش دهد. (تقی زاده، ۱۳۹۳: ۵۲)

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)

صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی یا آیفاد در سال ۱۹۷۷ به عنوان یکی از مهم‌ترین نتایج کنفرانس جهانی تغذیه در سال ۱۹۷۴ به وجود آمد. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی یک سازمان مالی و بین‌المللی و یک سازمان تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد به‌شمار می‌آید. این سازمان یک همکاری استثنایی بین کشورهای عضو در سازمان‌های اوپک و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و دیگر کشورهای در حال توسعه است. مهم‌ترین هدف این سازمان اعطای وام و ارتقاء سطح زیر ساخت‌های روستایی به منظور رشد و توسعه امور کشاورزی در مناطق در حال توسعه و محروم جهان است. این صندوق که مقر اصلی آن در رم قرار دارد، نقش مشاور جهانی در امور غذایی را هم به عهده دارد. ایفاد فعالیت‌های خود را به ریشه‌کن کردن فقر و مبارزه با گرسنگی در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه اختصاص داده‌است. (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

نتیجه‌گیری

به تجمعی از دولتها گفته می‌شود که بر اساس یک سند تاسیس تشکیل می‌شود و اعضای آن اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند. مصونیت سازمانهای بین‌المللی برای این است که از حضور در دادگاه‌های کشور میزبان معاف باشند اعطای امتیازاتی که سایر مردم حق استفاده از آن را ندارند. هدف از برقراری مصونیت به سازمان‌های بین‌المللی، حفظ حقوق کشور میزبان در عین توجه به اصل برابری دولتها مصونیت قضایی اعضای هیئت‌های نمایندگی در سازمانهای بین‌المللی، شامل مصونیت از تعقیب از دعاوی کیفری، مدنی و اداری می‌گردد. تصویب سند تاسیس (اساس نامه) لازمه تشکیل یک سازمان بین‌المللی است. اتحادیه بین‌المللی دارای جایگاه دائمی در سازمان ملل بوده و در جلسات و گروه‌های کاری سازمان مذکور شرکت می‌کنند. استقلال مالی از آثار حقوقی کسب شخصیت بین‌المللی توسط سازمانهای بین‌المللی است. حق عضویت در سازمان‌های بین‌المللی اصولاً به دولت‌ها تعلق دارد. اعضای ناظر در سازمان‌های بین‌المللی دارای حق شرکت در مذاکرات هستند. جنبش‌های آزادی‌بخش به صورت اعضای ناظر در جلسات سازمان‌های بین‌المللی شرکت می‌نمایند. موافقت نامه‌های منعقد شده بین سازمانهای بین‌المللی و دولت میزبان که در آن حقوق و مصونیت‌های اعطاء شده به سازمان مشخص می‌شود.

منابع

کتاب

۱. ایوانز، گراهام (۱۳۸۱) فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسن شریفی، تهران: انتشارات میزان
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۳) دانشنامه سیاسی تهران: انتشارات مروارید
۳. بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴. تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶) حقوق بشر مبانی نظری، تحولات تاریخی و سازوکارهای اجرایی، مترجم: حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان، چاپ اول
۵. تقی زاده، ایرج (۱۳۹۳) سانکسیونها در سازمان ملل متحد و سابقه آن در جامعه ملل، تهران: انتشارات کتابخانه مرکزی.
۶. ثقفی عامری، ناصر. (۱۳۸۶). "سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۰) ترمینولوژی حقوق، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات گنج دانش
۸. جمالی، حسین (۱۳۸۵) تاریخ و اصول روابط بین المللی، چاپ پنجم، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۹. روح الله، رضانی، (۱۳۸۰) جارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران، مترجم علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
۱۰. ساعد، نادر. ۱۳۸۹. حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
۱۱. ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۹) حقوق بین الملل عمومی، چاپ چهاردهم، تهران: گنج دانش.
۱۲. عامری، هوشنگ (۱۳۹۰)، اصول روابط بین الملل، تهران، انتشارات آگاه.
۱۳. عماد زاده، محمد کاظم (۱۳۹۰) حقوق بین الملل عمومی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اتا.
۱۴. غفوری، محمد. (۱۳۹۳). "عملکرد سازمان های بین المللی در عرصه ی روابط بین الملل نوین"، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
۱۵. فلسفی، هدایت الله (۱۳۷۹) حقوق بین الملل معاهدات، چاپ اول، تهران: نشر نو.
۱۶. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴) روابط بین الملل نظریه ها و رویکردها، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۷. محکی، علی اصغر (۱۳۹۰) رسانه های جهان گستر و روابط بین الملل، فصلنامه پژوهش و سنجش، تهران ش ۲۵.
۱۸. لاریجانی، محمد، (۱۳۸۹) مقولاتی در استراتژی ملی، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۱۹. مشیر زاده، حمیر (۱۳۸۵) تحول در نظریه های روابط بین الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، "نقش ارزش ها و هنجارها در شکل دادن به سیاست خارجی؛ رهیافت سازه انگارانه"، تهران: مرکز مطالعات عالی بین المللی، سال سوم، شماره ۳.
۲۱. موسی زاده، رضا (۱۳۹۰) بایسته های حقوق بین الملل عمومی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲۲. موسی زاده، رضا (۱۳۹۳) حقوق معاهدات بین المللی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۲۳. مولانا، عبدالحمید و منوچهر محمدی (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.

مقالات

۲۴. ابراهیمی، شهرروز، تحول مفهوم امنیت: از امنیت ملی تا امنیت جهانی، نشریه سیاست دفاعی، ۱۳۷۹ شماره ۳۱.
۲۵. احتشامی، انوشیروان، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، مترجم ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۷۶-۷۵.
۲۶. امیراحمدی، هوشنگ، سیاست خارجی منطقه ای ایران، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال هفتم، ۱۳۹۲ شماره ۷۲-۷۱، مرداد و شهریور.
۲۷. امیری، محسن، "گسترش جنبش های اسلامی و استبداد خاورمیانه ای"، هفته نامه ی پگاه حوزه، ۱۳۸۹ شماره ی ۲۹۹.
۲۸. برزگر، کیهان، "ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل"، فصلنامه ی سیاست خارجی، سال بیست و دوم، ۱۳۸۷ شماره ی ۳.

۲۹. بیگ زاده، ابراهیم؛ سیاست خارجی تابستان ۱۳۸۲، سال هفدهم - شماره ۲ علمی-ترویجی (وزارت علوم/ISC (16) صفحه - از ۳۵۷ تا ۳۷۲)
۳۰. جعفری فریدون ارزیابی چالش های نظری و فلسفی دیوان کیفری بین المللی مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن) اطلاعات شماره: تابستان ۱۳۹۲، دوره ۴، شماره ۱۱؛ از صفحه ۰ تا صفحه ۰.
۳۱. جمالی، جواد، ابراهیم شفیع پور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۳، تابستان ۱۳۹۲ ص ۱۴۱
۳۲. خضری، محمد، بازدارنده های اقتصادی حمله احتمالی امریکا به جمهوری اسلامی ایران، گزارش پژوهشی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.
۳۳. رحیمی، حسن، «سیاست امنیتی ایران در دهه نخست انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، جلد نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۸.
۳۴. رزومی، ولی پور سید حسین، سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۹۶.
۳۵. زاهدطلبان، علی، تحول در سیاست تجاری ایران: حرکت به سمت حاکم کردن ابزارهای تعرفه ای، فصلنامه پژوهش های تجارت جهانی، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۳۶. سلیمانی، رضا، قاسمی بهزاد مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به نقش مردم در بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۱) پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳ صص ۴۵-۶۴
۳۷. سواری، حسن و پیری، حیدر منافع ملی حیاتی دولت ها در پرتو معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، نشریه روابط خارجی ۱۳۹۱، شماره ۱۵.
۳۸. سیری فرخی، منصور، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، مجله حقوقی، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۵۷.
۳۹. صدر؛ سیدمحمد، «عالیترین هدف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، مجله راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۶۴.
۴۰. صدری، هومن، «جهت گیری های سیاست خارجی ایران ۱۹۹۷-۱۹۷۵»، مترجم حسن علیپور، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۴۵.
۴۱. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، چاپ پنجم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۹۶.
۴۲. نظری، علی اشرف و سازمند، بهاره، توسعه و امنیت انسانی: امنیت انسانی به عنوان محور توسعه، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۸۹ شماره ۲۸.
۴۳. ولی پور رزومی سیدحسین، «گفتمان های امنیت ملی در ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۷، ص ۶۳.
۴۴. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۹۰.

۴۵. هلگا، هافندرون، معمای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین‌الملل، ترجمه طیب، علیرضا سیاست خارجی، سال ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱.

international organization

Abstract

Background and Purpose; An international organization is an organization that is subject to governments and is created based on a treaty between governments. The mere existence of an agreement between governments does not constitute an international organization. There are institutions that may have a regular structure and hold periodical meetings, but are not among international organizations; Because when we don't give them an international legal personality, it means that we don't give them an independent life, and when they don't have an independent life, they can't be included in the territory of international organizations. The competence of international organizations is the authority that is given to the members of the organization by the approval of the statute to achieve its goals within its framework.

research method; The collected materials are based on library studies, data collection, and information analysis. The use of treatises and research articles and legal books in this field has also been widely used.

research findings; International organizations, as international organisms, became the helpers of governments to solve problems caused by international relations. To the extent that they are currently active as legal institutions in almost all fields of international relations. Today, international organizations have taken root in all international fields, crossing geographical borders almost in the framework and any issue that is somehow related to the interests of the international community is generally regulated by international organizations.

Keywords; International organizations, legal personality, pillars of international organizations
